

# ضرر نرسانید

حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح از طریق امداد  
(پروژه ظرفیت های محلی برای صلح)

نویسنده: ماری بی. اندرسن

از مؤسسه

مساعی مشترک برای فعالیت انکشافی (CDA)

# ضرر نرسانید

حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح از طریق امداد  
(پروژه ظرفیت های محلی برای صلح)

نویسنده: ماری بی. اندرسن

از مؤسسه

مساعی مشترک برای فعالیت انکشافی (CDA)

برگرداننده از انگلیسی به دری: عبدالفتاح روشنگر

جولای ۱۹۹۶ پشاور



# NORWEGIAN CHURCH AID

Afghanistan Program

*Together for a just World*

**اداره كمك هاى كليساى ناروى**

پروگرام افغانستان

باهم بخاطر يك جهان پراز امن

## پیشگفتار

جنگ بلای خافانوسوزیست که وقتی دامنگیر يك ملت شد، آنرا به بدبختی و بیچاره گی می نشاند، باکمال تأسف ملت ما به این درد مبتلا گردیده است. مطابق به رسم بشردوستی سازمان های خیریه و ادارات ملل متحد هنگام ابتلاء يك ملت به بدبختی، چه ناشی از حوادث طبیعی باشد یا جنگ، به مساعدتش می شتابند. رنجدیده افغانستان هم از توجه بشر دوستان به دور نمانده و موسسات مختلف در عرصه های گوناگون و در گوشه و کنار وطن ما مشغول فعالیت اند.

اما بعضاً همچو كمك ها باوجود اینکه بر مبنای بشر دوستی و با نيك نیتی تدارك گردیده مگر با تأسف که در اکثر موارد باعث ازدیاد تشنج و سبب ادامه جنگ میگردد. تاثیرات منفی كمك ها بالای جنگ در افغانستان هم مانند کشور های دیگر مشهود است.

اداره كمكهای کلیسای ناروی (NCA) در آوانیکه شهر کابل در آتش جنگ های بی مفهوم میسوخت دست به اقدام مبتکرانه زده و سیمیناری را تحت عنوان (موسسات داوطلب و صلح در افغانستان) در بهار سال ۱۹۹۴ تدویر نمود. هدف از تدویر سیمینار این بود تا نقش موسسات داوطلب را در پروسه اعمار صلح در افغانستان ارزیابی نموده و برای اولین بار صحبتی را در بین جامعه امداد گر آغاز تا رابطه بین فعالیت های بازسازی، عمرانی، كمك های عاجل و صلح را مشخص گردانند و با استفاده از همچو كمك ها مردم را در آوردن صلح یاری دهند.

NCA تنها به تدویر ورکشاپ ها اکتفا ننموده و در ضمن تلاشهای پیگیر توانست که سیمینار را شامل يك مطالعه بین المللی نماید که توسط يك اداره

امریکایی بنام Collaborative For Development Action (CDA) روی دست گرفته شده بود.

کتاب حاضر مجموعه ایی از دریافت های پروژه ظرفیت های محلی برای صلح میباشد که در جریان اولین سیمینار منطقوی تحت عنوان ظرفیت های محلی برای صلح که از طرف دفتر NCA به همکاری موسسه CRS (خدمات رفاهی کاتولیک ها بخش پاکستان) دایر گردیده بود معرفی شد. در نتیجه همین تلاشهای NCA، افغانستان اولین مملکتی بود که متن انگلیسی کتاب (ضرر نرسانید) به پیمانہ وسیع در دسترس خواننده گان علاقتمند قرار گرفت.

از آنجائیکه تأثیرات منفی کمک های در گوشه و کنار وطن ما هم بوضوح دیده میشود و همچنان جنگ های تباہ کن شیرازہ اجتماعی ملت ما را بکلی از هم پاشیده است لازم دیدیم کتاب را بزبان دری ترجمه نماییم تا به پیمانہ وسیع تر در اختیار هموطنان ما و بخصوص آنهاييکه در ادارات امدادگر افغانی و بین المللی مصروف خدمت اند قرار گیرد. توقع اینست تا خواننده گان عزیز از آن استفاده عملی نموده و با درک نقش شان، سهم فعالانہ در پروسہ صلح که خواست و ضرورت میرم مردم ما است بگیرند. همچنان از کارمندان ادارات خبریہ توقع داریم تا با استفاده از کتاب (ضرر نرسانید) فعالیت های پروژه وی خویش را طوری طرح ریزی نمایند تا مدد پروسہ صلح واقع گردد.

امیدوارم این خدمت ناچیز من و سایر همکاران دفتر NCA برای هموطنانم مثمر ثمر واقع گردیده و فعالیت های موسسات با استفاده و کاربرد عملی از رهنمود های ارائه شده در کتاب جنبہ تعمیری و اصلاحی بیشتر بخود بگیرد.

وسلام

محمد احسان

منیجر پروگرامهای

اداره کمک های کلیسای ناروی

پروگرام افغانستان

## معرفی

پروژه ظرفیت های محلی برای صلح، مساعی دسته جمعی است که يك عده سازمان های غیر حکومتی، حکومتات تمویل کننده، سازمان های چندین ملیتی و مردمان محلی جوامع درگیر جنگ را شامل میشود. نگرانی مشترك سبب ایجاد پروژه گردید. یعنی زمانیکه امداد به کشور های درگیر جنگ پیشکش میشود، اکثراً چنین به نظر میرسد که امداد، جنگ را بدتر میسازد - ما خواستیم بدانیم چگونه میتوان تضمین کرد که کمک های بشر دوستانه و انکشافی موجب استقرار صلح میشود نه دوام جنگ.

در این اثر آموخته هایی از تجارب افراد و اداراتی جمع بندی شده که در شرایط مختلف جنگی امداد رسانیده اند. «معلومات و حقایق» بنیادی برای این مساعی از مطالعه و تدقیق پانزده قضایا که در چهارده جامعه مختلف در گیر جنگ صورت گرفته، بدست آمده است. این قضایا در ضمیمه شماره يك در اخیر اثر به شکل مفصل فهرست شده است. تجارب و آموخته های حاصله از قضایا، دارای غنای زیادی است. این ها پیچیدگی نهایت عمیق جوامع و جنگ هائی را که از آن گزارش میدهند انعکاس داده و تصورات و ایجاد گری احساس برانگیز تدارک کنندگان محلی و بین المللی امداد در کشور های درگیر جنگ را نشان میدهد.

این اثر، بآنهم، صرفاً کاریست مقدماتی. در حالیکه اندوخته های زیادی از مطالعه و تدقیق پانزده قضایا بدست آمده است، چیزهای زیادی هنوز هم باقیمانده تا از سایر قضایا و تجارب در حال شکل گیری آموخته شود. خواننده خواهد دید که در هر صفحه ستونی برای «یادداشت ها» اختصاص داده شده و توقع اینست که اکثر خواننده گان ازین ستون به صفت نقطه آغاز برای تفکر دوباره، انتخاب راه

های موثر برنامه ریزی در نقاط درگیر جنگ استفاده خواهند کرد و تجارب و مفکوره های خود را بالای آنچه درین اثر تذکر رفته، خواهند افزود. از همه خوانندگان دعوت بعمل می آید تا با پروژه ظرفیت های محلی برای صلح بخاطر ابراز نظریات، مفکوره ها و درک عمیق شان از موضوع در تماس باشند تا باشد که این سهم شما با آموزش های قبلی ترکیب شده و آنهائیکه در نقاط درگیر جنگ مصروف امداد رسانی هستند، وسیعاً از آن بهره گیرند.

پروژه ظرفیت های محلی برای صلح از سهمگیری اکثر مردم، سودمند شده است. خاصتاً از افرادیکه تحقیقات ساحوی را انجام داده و نتایج قضایا را نوشته اند. ایشان عبارتند از :

Joseph. G. Bock

Kenny Gluck

Kate Halvorsen

Greg Hansen

Helen Holm-Pedersen

Stephen Jackson

Thomas Lent

Susan A. Lyke

Larry Minear

Lena Sallin

Willet Weeks

در خلال پروژه، گروپ ها دوبار در پوهنتون هارورد گرد هم آمدند تا قضایا را بررسی نموده آموخته های شان را تحلیل و مراحل بعدی پروژه را طرح ریزی نمایند. اولین گردهم آیی ازین میتنگ ها شامل بیش از از بیست نفر بود که به شکل انفرادی و یا به صفت نمایندگان ادارات شان اشتراك نموده بودند. این میتنگ تجاربی را با عمق و وسعت قابل ملاحظه به مباحثات پیشکش کرد. شاملین این جلسه عبارت بودند از:

Uwe Assein-Keller

- از انجمن پروتستانت برای همکاری در انکشاف  
(بن)

Goran Backstrand

- صلیب سرخ سویدن - ستاکهلم

Bo-Elding

- اداره همکاریهای انکشافی بین المللی سویدن

ستاکهلم

Patricia Weiss Fagen

- پروژه اعمار مجدد جوامع ویران شده از جنگ  
(واشنگتن، D.C.)

Kate Halvorsen

- انستیتیوت مسیحی میچلسن (برگن، ناروی)

Stephen Jackson

- فارغ التحصیل Kennedy School of Gov.  
پوهنتون هارورد

Jorgen Kristensen

- صلیب سرخ دنمارك، گونپهاگن

Anders Ladekart

- شورای پناه گزینان دنمارك - گونپهاگن

Lynette Larsen

- فارغ التحصیل پوهنتون وسکانسن

Rick McCutcheon

- پروگرام ابتکارات صحت به صفت ابتکارات صلح  
(از پوهنتون مك ماستور، هملتون، اونتاریو)



Kevin McCort

- کی یر کانادا

Ken Menkhaus

- انستیتوت زندگی و صلح (اپ سالا، سویدن)

Larry Minear

- پروژه بشر دوستی و جنگ (پوهنتون براون،  
پراویدنس، رود آیلند)

Robert Rotberg

- بنیاد صلح جهان (کامبریج)

Geri Sicola

- خدمات رفاهی کاتولیک (بالتیمور)

همچنان درین کنفرانس چهارتن از همکاران که نقش شان درتنظیم قضایای  
مطالعه شده ارزنده بود، اشتراك داشتند. ما از دلیری شان در جوامع ویران شده  
آنها وهم از سهم شان در آموزش دسته جمعی مان عمیقاً ابراز امتنان میکنیم.  
ایشان عبارتند از:

Goran Bozicevic

- مبارز ضد جنگ کروشیا

Mohammad Ehsan

- اداره کمک های کلیسای ناروی / شورای مهاجرین،  
ناروی در پشاور، پاکستان

Dr. Nura Abdi Guled

- پروگرام اعمار مجدد مختلط Trocaire در گیرو-  
سومالیا

Fr. Cedric Parkash

- انجمن خدمات اجتماعی St. Xavier در احمد  
آباد - هند.

پس از اكمال مطالعه قضايا، گردهم آبي محدود مشورتی دومی در کامبریج صورت گرفت. چندین تن از افرادیکه در کنفرانس قبلی حضور داشتند، درین جلسه نیز شرکت جسته، تداوم پروسه مطالعه را فراهم کرده همچنان برداشت دقیق شخصی شان را در تحلیل موضوع و ضاحت بخشیدند. آنها عبارتند از:

Joe Bock

- خدمات رفاهی کاتولیک (اسلام آباد)

Helene Holm-Pedersen

- فدراسیون بین المللی انجمن های صلیب سرخ و هلال  
احمر (ژنیو)

Tom Lent

- از Redd Barna (گواتیمالا و هندوراس)

Willet Weeks

- از فدراسیون Save the Children امریکا  
(شاخ افریقا)

Rudyrn Bernuth

- قبلاً کارمند Save the Children امریکا و  
فعلاً کارمند شورای بین المللی برای ادارات رضاکار  
(ژنیو) نیز درین گردهم آبی محدود مشورتی  
شرکت جسته و سهم خود را ادا کرد.

Martha Chen همچنان در هردو گردهم آبی سهم فعال داشته و به صفت  
دایرکتر پروگرام NGO در انستیتوت هارورد برای انکشاف بین المللی، مهمان  
نوازی انستیتوت خود را در هر دو کنفرانس پیشکش کرد. در آغاز پروسه زمانیکه  
من برای توضیح و تفهیم مقصد «پروژه» درگیر جملات طویل و تشریحی بودم، به  
خرد و دانایی Martha بخاطر نامگذاری «پروژه ظرفیت های محلی برای صلح»  
باید اذعان کرد.

از Tim Broadhead که در هر دو جلسه اشتراك کرده و ریاست گردهمائی نخستین را به عهده گرفته ابراز امتنان خاص به عمل می آید. طبق معمول وی در مباحثات پیرامون روابط بین امداد دهنده و مردمان کشورهای که امداد میگیرند چشم انداز خردمندانه ارائه کرد.

همه پروژه ها در واقعیت امر به پول ضرورت دارند. پروژه ظرفیت های محلی برای صلح درین زمینه خوش چانس است چه تمویل کنندگان آن با مفهوم واقعی کلمه همکاران ما نیز هستند. آنها نه تنها برای پیشبرد مساعی، کمک های مادی میکنند بلکه آنها با حمایت معنوی و علمی شان در هر مرحله تحقیقات سهم می گیرند. در آغاز وقتی پروژه زاده میشد، Bo Elding و Eva Asplund منسوبین اداره همکاری انکشافی بین المللی سویدن اولین کسانی بودند که با سخاوتمندی مالی و حمایت علمی عکس العمل نشان دادند. به تعقیب آنها همکاران خاص دیگر از جمله Edgar Bruser و Manfred Wadehn از Evangelische Zentralstelle fur Entwicklungshilfe, E.V جرمنی، John Schaar و Goran Backstrand از صلیب سرخ سویدن و Ann Howarth از کمیساری عالی ملل متحد برای پناه گزینان حمایت و همکاری شان را اعلام نمودند. در يك فرصت بحرانی، Carsten Stau از DANIDA سخاوتمندانه وجوه اضافی را که برای اكمال مرحله اول پروژه کافی بود در اختیار گذاشت.

پروگرام ها و پروژه های دیگر چه از طریق عملکرد های شخصی و چه با ارائه مفکوره ها و آموخته های شان، همکاران مستدام و سودمند بوده اند. از آنجائیکه ذکر نام همه آنها مشکل است، در اینجا صرفاً از کسانی نام می بریم که مستحق تقدیر اند:

پروژه بشردوستی و جنگ، پوهنتون براون، اداره ریسرچ امور صحت، پوهنتون مک ماستر؛ پروژه اعمار مجدد جوامع ویران شده از جنگ مربوط انستیتوت ریسرچ انکشاف اجتماعی ملل متحد؛ International Alert از

لندن؛ انستیتوت زندگی و صلح از رسالا - سویدن؛ و انستیتوت امریکایی صلح در واشنگتن D.C. سه فرد دیگر که در طرز تفکر ما موثر بودند و در خلال کنفرانس ها طی چندین سال گذشته حین دید و بازدیدها معلومات مفید در اختیار ما میگذاشتند عبارتند از: John Prendergast از Center of Concern واشنگتن Charles Petrie از دیپارتمنت امور بشری ملل متحد از نیویارک و Jhon paul Lederach از اداره تحلیل برخورد و در گیری و پروگرام دگرگون سازی پوهنتون مینوناپت شرقی.

دو تن دیگر که در همه آنچه تا کنون انجام پذیرفته همدست بوده اند کاترین اوور هولت و ایوریت میندیلسون استند که هر کدام به سهم خود پروژه را در آغاز، میانه و انجام (تاحال) با دادن مشوره ها در برنامه ریزی خوب، در مسایل مالی سالم، و ارایه همیشگی نظریات عالی یاری رسانیده اند. جای مسرت و مباهات است که چنین افراد را در همه مساعی درکنار خود داشتیم. وسارا میندیلسون شخصیت دیگریست که مواد خام این اثر را با تطبیق مهارتهای طرح ریزی اش پهلوی هم گذاشت و با انشاء و ارتباط مطالب، این نوشته را در مدت زمان معین تکمیل کرد.

ابراز امتنان از همه

ماری بی. اندرسن

کامبریج، اپریل ۱۹۹۶



## فصل اول

### مقدمه

#### ظرفیت های محلی برای صلح کدام ها اند؟

در چچنیا بزرگان هفت قریه، باشندگان قراء همجوار شانرا تشویق کردند تا قراء شانرا مناطق صلح «زونهای صلح» اعلام کنند. آنها نزد قوماندانان روسی که قراء شان را در محاصره داشتند رفته روی این موضوع به توافق رسیدند «در صورتیکه به ملیشیای جدایی طلب پناه ندهند آنها مورد حملات قوای روسی قرار نخواهند گرفت.»

در بوسنیا چند مرد در اتاق نشیمن یکی از خانه های شان دورهم جمع شدند و راجع به جنگ صحبت کردند. آنها تصمیم گرفتند تا از تجزیه طلبی حمایت نکنند. آنها به «جرگه همشهریان» پرداخته و مجلس عامه را دایر کردند تا دریابند که آیا دیگران با ایشان هم نظر هستند یا نه. در اولین مجلس بیش از دوهزار نفر حاضر شدند. تعداد اعضای این گروه به بیشتر از پانزده هزار رسید. عده زیاد مردم از همچو گرد همایی بخاطر ابراز نظریات شان علیه جنگ نیاز داشته و از آن استقبال کردند.

در تاجکستان يك زن كولابی برای پذیرایی همسایگان گرمی خود را که در خلال جنگ های داخلی «بین گروپ ها» فرار کرده بودند، پذیرایی نموده و آنها را با تقدیم نان و نمک خوش آمدید گفته و برای صرف نان شب در خانه خود آنها را دعوت نمود. وی میز بزرگی را در زیر چيله های انگور در باغچه خانه خود با انواع غذا ها مزین کرد. عودت کنندگان گرمی را یکسوی میز و همسایگان كولابی را سوی دیگر میز مقابل هم قرار داد. آنها باهم یکجا غذا صرف کردند و بقول خانم میزبان مجدداً باهم آشنا شدند.

يك خانم سالخورده دیگر گرمی در تاجکستان توضیح کرد که وی چگونه میتواند در آینده از جنگ جلوگیری کند. وی گفت میتوانم به نواسه های خود تعلیم بدهم که با كولابی ها جنگ «بازی» نکنند. روز قبل برای پسرم گفتم به فرزندت نیاموز که با همسایگان خود جنگ کند - بگذار وی این جنگ را فراموش نماید. خانم سالخورده پس از لحظهء تفکر علاوه کرد: من میتوانم شوهرم را که قبلاً معلم بود، وادار سازم تا باهم مسلکان خود در ارتباط به استفاده موثر از اتاق درسی به منظور تدریس مردم برای همزیستی مجدد - صحبت نماید.

در سومالیا يك مرد محلی گزارش داد هنگامیکه دو قبیله باهم به جنگ شروع کرده وعلیه یکدیگر اعلام مخاصمت نمودند، يك عده از اعضای دو قبیله خود را از جنگ کنار کشیدند. مرد سومالی توضیح داد که چگونه آنها تصمیم گرفتند تا با سایر قبایلی بپیوندند که در جنگ درگیر نبودند. آنها بخاطری توانستند به چنین عمل دست بزنند که طی نسل ها بین قبایل وصلت ها (ازدواج ها) صورت گرفته بود آنها به سادگی عضویت شانرا با قبایلی که در جنگ در گیر نبودند نسبت به قبایل درگیر جنگ ترجیح دادند.

در موزنبيق مادر سالخورده ای از این شکایت فرزندش متعجب شد که چرا عودت کنندگان، زمینی را که ملکیت خانواده وی در قریه شان بود، کشت میکنند. مادر پرسید آیا تو میخواهی به دهقانی مشغول شوی؟

- نه مادر جان قسمیکه شما میدانید پیشه من در شهر چیز دیگرست ولی

زمین، زمین ما است.

- در صورتیکه توبه کشت زمین و زراعت نمی پردازی چرا آنها این کار را نباید بکنند؟ کشت و کار برای زمین خوبست.

جوان موزنبیقی وقتی این قصه خود را میگفت بالای خود می خندید - مادرش حق به جانب بود، جوان درک کرده بود که مادرش مفکوره صلح خواهی داشت.

داستانهایی ازین گونه در همه کشور های جنگ زده شنیده میشود. چنین به نظر میرسد که در همه جا افراد، گروپ ها، روش ها، و پروسه ها وجود دارند که صلح را تقویت می بخشند. این ها رامیتوان ظرفیت های محلی برای صلح نامید. وقتی ادارات امدادی بین المللی به مناطقی که زد و خورد در آن جریان دارد میرسند تا به مردمیکه از اثر جنگ متاثر شده اند کمک و همکاری نمایند، در پروگرام شان اکثراً این ظرفیت ها در نظر گرفته نمی شوند.

بسیار اتفاق افتاده که کارمندان ادارات امدادی تحت تاثیر شرایط خشونت بار جاری در منطقه قرار گرفته ومی پندارند که صرفاً همین ها واقعیت است. آنها پروگرامهای شانرا طرح میکنند، تصامیم شانرا می گیرند، مواد را توزیع می نمایند، کارمندان شانرا استخدام وجابجا می نماید. همه این ها را به نحوی انجام میدهند که واقعیت های را که در گذشته صلح بالای شان مستقر بوده و صلح آینده نیز باید بالای آن عمار شود نادیده می گیرند.

چه کاری بهتر از این را امداد گران درمحیط جنگ زده میتوانند انجام دهند که اگر آنها ظرفیت های محلی بخاطر صلح را حین برآورده ساختن نیازمندیهای عاجل مردم، شناسایی، حمایت، تشویق و توسعه بخشند.

- چگونه ادارات امدادی بین المللی و محلی مردم را در مناطق پر آشوب و نزاع کمک نمایند تا باشد که این کمک ها مانع درگیری شان در منازعه شده و سیستم های علی البدل را برای فایق آمدن به پروبلمهای که به آن روبرو هستند انکشاف بخشند؟

- چگونه موسسات امدادی و کارمندان شان میتوانند ظرفیت های محلی را برای صلح تشویق نمایند؟

اینها مسایلی میباشد که درین نوشته گنجانیده شده است.

## پس منظر

در خلال روزهای بعد از جنگ سرد در اخیر قرن بیستم، اکثر گروپ هائیکه زمانی باهم زندگی میکردند به جنگ داخلی درگیر شدند. همسایه های قبلی، همکاران، پیروان ادیان مشترک و حتی اعضای خانواده ها باهم میجنگند، گویا زنده ماندن شان به جدایی از دیگران، دیگرانیکه زمانی با آنها می زیستند مربوط باشد و این تجرید در امتداد خطوطی بوقوع می پیوندد که در زمان حاضر اکثراً «ملیت گرایی» یاد میشود. جنگ هائیرا که آنها به پیش میبرند در محلات زیست، ساحات کار، حویلی ها و مارکیت ها و جاهائیکه زندگی روز مره جریان دارد صورت میگیرد. هیچ کس ازین ساحات بیرون نیست. حد فاصل بین جنگ جویان و شهریان مغشوش است. جوانان و نوجوانان به حیث حاملین سلاح و سربازان توظیف می شوند.

متناسب به این جنگ ها، در تعداد و انواع اداراتیکه مردمان را در ساحات پر از برخورد کمک میرسانند، افزایش به عمل می آید. به همین پیمانه حجم وحد منابع این ادارات به خاطر صرف مساعی شان برای تخفیف و تسکین آسیب ناشی از جنگ توسعه می پذیرد. در قدم نخست از لحاظ بشر دوستی، این گونه ادارات به شرایط مغلق روبرو میشوند. آنها نه تنها در جاهائی کار میکنند که ضرورت



عاجل برای رفع رنج و درد به شکل حاد و نهایی وجود دارد بلکه در آنجاها سیستم های قدرت مختل شده و یا وجود ندارد. در جایهائی که خطوط جبهه واضح نبوده و یا عوض میشوند. در جائیکه احترام به حقوق انسان از بین رفته و کارمندان ادارات امدادی به تهدید و قتل مواجه هستند و در جائیکه وسعت دادن آنی ادارات امدادی سبب ایجاد تشنج و اشتباه بیشتر میگردد.

وهرگاه این شرایط به قدر کافی چلنج دهنده نمی بود، جامعهء امداد دهندهء کمک های بشری حالا به این حقیقت متوجه نمی شد که نتایج این همه مساعی بصورت همگانی خوب نبوده. گرچه هدف رساندن کمک به مردمان بی گناه و نیازمند است ولی تجربه نشان میدهد که چنین کمک ها همچنان میتواند برخورد ها و منازعه را بدتر و طولانی بسازد که درین صورت بازهم نیازمندی برای کمک بوجود می آید. همانطوریکه امداد سودمند است ضرر هم دارد. شفقت و ترحم که زمانی يك عمل ساده و پاک تلقی می شد، در شرایط جهان امروزی عملیست مغلق و پیچیده و همراه با اهداف سیاسی.

### **پروژه ظرفیت های محلی برای صلح**

بر بنیاد آگاهی های روز افزون از پیچیدگی های شرایط در محلاتیکه کمک به آن رسانیده میشود و هم از اثرات ناشی ازین مساعدت ها، اکثر حکومتات کمک دهنده، ادارات ملل متحد و موسسات غیر حکومتی بر آن شدند تا در رابطه به قضایا و پروسهء تدارك کمک به مناطق جنگ زده، تجدید نظر کنند.

در سال ۱۹۹۳ ظرفیت های محلی برای پروژه صلح آغاز به کار کرد تا تجارب را از مناطق مختلف در حال جنگ جمع و ارزیابی کند و دریابد که چگونه باید کمک ها عرضه شود تا مردم محل را قادر به ختم جنگ و بر خورد نماید. منظور این نبود که کمک دهندگان ادارات غیر حکومتی را به صلح سازان مبدل سازد، بلکه باید دانست که پروسه های تدارك کمک چگونه بالای اعمال مردم اثر دارد و با استفاده از آن احتمال تشنج و یا تشنج زدایی (جنگ و یا راه حل آن) را

ارزیابی کرد. هدف این بود تا ادارات را یاری رساند تا در بخش انکشافی ویا کمک های بشر دوستانه به نحوی فعالیت کنند که حامی صلح باشند نه از جنگ و برخورد.

## نتایج تعجب آور

مطالعات قبلی که بر بنیاد تجارب ساحوی صورت گرفته شواهد حیرت انگیزی را در دسترس قرارداد. در ممالك مختلف در حال جنگ، حتی در حالاتیکه ادارات خیریه در رسانیدن مساعدت های شان (عاجل ویا انکشافی) موفق بوده اند، کارمندان همچون ادارات می پذیرند که درعین زمان مساعدت های شان به شکل غیر عمدی تشنجات را تغذیه، بدگمانی ها را تقویت و درنتیجه جنگ را بدتر می سازد.

تجارب نشان داد که دادن کمک های خارجی به محیطی که مردم آن داخل جنگ اند و در جائیکه اکثراً قلت مواد موجود است، میتواند تشنج و بدگمانی را بین گروپ ها به دو طریق مشخص افزایش دهد.

نخست موادی که توسط ادارات کمک دهنده آورده میشود بالایش تکس وضع گردیده - دزدی میشود ویا توسط گروه های درگیر در جنگ غصب میشود تا به شکل مستقیم از آن برای انجام فعالیت های خود استفاده کنند. همچنان ازمین مواد برای تحکیم قدرت بالای اتباع ملکی استفادهء سوء صورت میگیرد.

ثانیاً، سیستم هائیکه از طریق آن همچو مواد تدارک میشود اکثراً پیام های تلویحی را که حاوی نوعی اعتراض با جنگ و خشونت است با خود دارد. بطور مثال وقتی ادارات کمک دهنده با رهبران نظامی برای دسترسی به اتباع ملکی مذاکره میکنند یا وقتی محافظینی را برای حفاظت اشیائیکه می آورند استخدام می نمایند، رهبران نظامی این را حق قانونی سلاح بدستان میدانند که تصمیم بگیرند که کدام اشخاص میتوانند از مواد امدادی چون غذا، مراقبت های صحی و سایر اشیای کمکی استفاده نمایند. برای ادارات کمک دهنده مشکل است تا نیازمندیهای انسانی را بدون تشدید برخورد های موجود، بر آورده سازند.

## چه میتوانیم بکنیم؟ آموزش از تجربه

اگر ما بتوانیم تشخیص بدهیم که چه راهی در پیش گرفته شود تا کمکهای خارجی برخورد و منازعه را شدیدتر نسازد به همین ترتیب میتوانیم برنامه ریزی علی البدل را به خاطر جلوگیری ازهمچو اثرات منفی کمک ها، مشخص بسازیم. روی این اساس «پروژهء ظرفیت های محلی برای صلح» يك سلسله حالت ها را درمناطق جنگ زده مورد مطالعه قرار داد تا در نتیجه معلوم شود که چرا دادن کمک وضع را بدتر می سازد و کدام چاره ها موجود است که موثریت کمک را در شرایط جنگ بهبود بخشد.

در فصل های بعدی آنچه را که ازین تجارب بدست آمده گزارش میدهیم. ما ارزیابی میکنیم که: ماهیت جنگ امروز چیست؟ بااعطای کمک به مناطق مختلف چه حالاتی بروز میکند؟ چگونه و چرا دادن کمک باعث شدت برخورد میشود؟ کدام راههای دیگر برای انتقال کمک موجود است که اثرات منفی نداشته باشد؟ آیا دادن کمک درحل منازعات و برخورد تاثیر مثبت دارد؟ اگر دارد چگونه؟ چه وقت؟ چگونه میتوان پیشگویی کرد که کدام طریق توزیع امداد کمتر مضر و زیادهتر مفید است؟

اینگونه سوالات تلویحاً اشاره به بر آورده شدن اهداف نهایت عمده و کمتر عمده دارد. کمتر عمده بدین معنی که دادن امداد برای قربانیان جنگ نباید ضرر اضافی بار آورد. علاوه، سوالات روی این امر متمرکز میشود که چه کارهای خوبی برای تدارك کمک انجام شود. نه تنها امداد و کمک باید به اهدافیکه در نظر است برسد (نجات دادن حیات مردم، حمایت از پروژه های انکشافی طویل المدت) اعطاء کمک نه تنها باید از حوادث ناهنجار و مضر که به شکل غیرعمدی واقع میشود جلوگیری کند، بلکه از پروسه اعمار صلح در محل نیز حمایت نماید. اعطای کمک آنهاست که از آن استفاده میکند نیز باید قادر سازد تا از برخورد ها و جنگ های تخریبی دست بکشند و راههای دیگری را برای حل مشکلاتیکه باعث جنگ فعلی گردیده است بیابند. این نوشته در برگیرندهء آموزش هایست که تا

کنون از پروژهء ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده. این اثر همچنان مسایلی را مطرح میکند که مستلزم کاوش بیشتر و آموزش مزید است. توقع برده میشود که گروپ های متعدد به شکل درست و موثر از این نوشته در اندیشه و پندار شان راجع به اعطای کمک در هنگام جنگ استفاده نموده نظر شان را گزارش بدهند تا این نوشته غنی تر شود، تجدید نظر در آن صورت گیرد تا باشد که تجارب، نظرات و عقاید بیشتر را انعکاس داده بتواند.

هر چند که پروژه ظرفیت های محلی برای صلح باعث برانگیختن سوالاتی از نقطهء نظر منابع تمویل کننده در مورد اعطای کمک در حالت جنگ گردیده است و با تجاربتیکه از ساحات جنگ بدست آمده این امر واضح شده که چنین مسایل برای ادارات محلی که برای التیام مصایب در حالات جنگ کار میکنند نیز اهمیت دارد. علاوه بر این، واضح شده که دست آورد های پروژهء متذکره نه تنها بیانگر مشکلاتیست که از اثر اعطای کمک های عاجل در داغترین حالات جنگ بوجود آمده بلکه در حالات ذیل نیز همچو مشکلاتی ایجاد می شود: زمانیکه اعطای کمک در جائی صورت میگیرد که تشنیج بین گروپ ها آغاز شده ولی جنگ در نگرفته. جاهائیکه خصومت ها خاتمه یافته، جائیکه آتش بس و توافق در زمینه به پختگی نرسیده و تشنجات بین گروپ ها ادامه داشته و امکان درگیری جنگ گرم وجود دارد. با در نظر داشت آنچه در بالا تذکر یافت، فصل های بعدی موضوعات امداد رسانی را توسط موسسات بین المللی و محلی، کمک های عاجل و انکشافی و اعطای کمک را در حالت جنگ مورد بحث قرار میدهد.

## فصل دوم

### چرا جنگ ها؟ چرا جنگ های امروزی؟

اشخاصیکه در زونهای مشخص جنگ کار میکنند، اکثراً متذکر می شوند که چقدر «جنگ شان» مغلق و پیچیده است. آنها از اوضاع پنهانی عمیق سیاسی و تحریکات آگاهی دارند. آنها روابط پیچیده ذات البینی و میان گروپ های درگیر جنگ را می فهمند. آنها تاریخ عملیات و تلافی جوئی های طرفین را می شمارند. آنها اکثراً پیرامون «غیرعادی بودن» اوضاعیکه خود در آن زیست میکنند، تبصره می نمایند.

در واقعیت امر، همه مردم تاریخ مشخص دارند، پیچیده گی ها و ابهام در مسایل امکان وعدم امکان آنچه را که در حالت جنگ انجام شود تعیین میکنند. علی الرغم این امر، ادعای «غیر عادی بودن» قسماً واقعیت دارد. هرگاه در ساحات مختلف که امروز جنگ در آن جریان دارد سری بزنیم، مشخصات مشترک به نظر میرسد. چه چیز را در باره جنگ های امروزی آموخته ایم که میتواند امداد گران را یاری رساند تا کار بهتری را انجام دهند؟ درین فصل برداشت مشترک راجع به جنگ های گذشته و تفریاتی را که در نوع جنگ ها بوجود آمده و ذر نتیجه صحنه را برای امداد گران شکل خاص داده، مطرح بحث قرار میدهیم.

## چرا در گذشته جنگ‌ها با وقوع پیوست؟

در حالیکه اکثریت مردم معتقداند که جنگ «خیلی بد» است و ضدیت خود را با آن ابراز داشته اند، يك عده بدین باورند که جنگ قسماً «غیر قابل اجتناب» و «طبیعی» است. آنها تاریخ طویل جنگ را تذکر میدهند و قبول کرده اند که جنگیدن در طبیعت «آدمی است». علاوه براین عده یی را عقیده بر اینست که جنگ وسیله موثر برای نیل به تغییرات ضروری است بطور مثال سقوط دادن رژیم ستمگر یا جلوگیری از قوای متجاوز در حالتیکه سایر مساعی نتیجه ندهد. گرچه آدمی از جنگ تنفر دارد ولی برای بدست آوردن آنچه عقیده دارند، می جنگند می میرند و میکشند. برای آزادی، دموکراسی، عدالت، مساوات و «حقوق» شان.

## جنگ‌های امروزی: تغییرات عمده:

وقتی ما جنگ‌های امروزی را ارزیابی میکنیم، تغییرات عمده یی در موقعیت و نوع جنگ به مشاهده میرسد که اجتناب ناپذیری و مناسبت آن را به صفت يك وسیله برای نیل به عدالت مورد سوال قرار میدهد. بعد از عصر جنگ سرد، دو قدرت بزرگ اعتماد خود بر سایر کشورها را که دستیار شان در میدان جنگ بود کاهش داده و از حمایت حکوت‌ها در اکثر این کشورها دست کشیدند. این امر همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی سبب ایجاد خلای قدرت شد و افراد و گروه‌ها برای کسب تفوق و برتری به رقابت پرداختند. در بعضی حالات رهبری با تصور ایجاد يك جامعه نوین بر بنیاد «عدالت کامل» ظهور کرد و به اکثریت مردم متصل شد.

اکثراً جای تاسف است که این رهبران نوظهور توجه را به تقسیم بندی جوامع شان عطف کرده گروهك‌ها را تشویق و تحت تاثیر خود آورده و وسیله ای برای «داعیه‌های» شان ساخته تعداد طرفداران شانرا افزایش دادند.

این «رهبران» از برخورد های «قدیمی» بین گروه‌ها به حیث نکات عمدهء مبارزاتی برای تشکیل يك اداره، تذکراتی بعمل آوردند آنها پیروان خود را تشویق

کردند تا هویت خاص خویش را داشته و با سایرین برنیاد این شناسایی برای ایجاد سیستم های قدرت یکجا شوند. در سیستم هائی که آنها دارای قدرت عالی باشند. با تذکر مطالبی از «تاریخ» که انتخابی و تعصب گرایی بود، رهبران خطاهای گذاشته را که گروه های دیگر مرتکب شده و اذیت آور بود به مردم یاد آوری کردند.

آنها مردم را ترسانیدند که هرگاه خود شان بر يك سیستم سیاسی مسلط نشوند، توسط دیگران به شکل غیر عادلانه تحت تسلط قرار خواهند گرفت و به این وسیله برای خود قدرت کسب کردند. رهبران این عقیده را تقویت بخشیدند که قدرت بین گروه های متعدد تقسیم شده نمیتواند.

**جنگ های امروزی:** میدانهای کارزار، ساحات مسکونی مردم اکثر جنگ های امروزی در داخل سرحدات ملی بین مردمانی صورت میگیرد که تامت کوتاهی قبل از جنگ باهم یکجا در صلح زندگی می کردند. این جنگ ها که در جوامع سرایت کرده سبب جدا شدن همسایگان قبلی، همکاران قبلی و حتی خانواده ها شد. میدان های جنگ ساحاتی را در بر میگیرد که زندگی روزمره در آن جریان دارد. خطوط فاصل بین جنگجویان و افراد ملکی یا مغشوش است و یا از بین رفته. مردمان سالخورده، زنان، اطفال و افراد مریض و ناتوان همه اهداف «بی طرف» جنگ هستند. در واقعیت همه به شکل مستقیم از ستم و بی رحمی تجاری دارند و عده زیادی هم قربانی ستم شده اند و هم مرتکبین چنین اعمال اند. در کشوری پس از کشور دیگری شباهت های ازین نوع وجود دارد.

**جنگ های امروزی:** اکثر مردم «مالکیت را قبول ندارند» در افغانستان مجاهدینی که قبلاً رضاکارانه در «جهاد مقدس» علیه اشغال کشور شان توسط شوروی سهم گرفته بودند، حالا ادامهء جنگ که کشور شان را

پارچه پارچه ساخت وهم رهبران نام نهاد یا به اصطلاح آنها تیرا که رهبر میخوانند، مردود می شمارند. گرچه عقیده دارند که جنگ قبلی جهاد مقدس بود، ولی ادعا میکنند که جنگ فعلی بد و «ضد اسلام» است زیرا مسلمانان در مقابل یکدیگر فقط بخاطر قدرت و برتری می جنگند نه به خاطر عدالت و صلح.

در بوسنیا، مردمان کروات و صرب تحریکات ناشی از جنگ را که جدایی و تجرید بار می آورد، نکوهش می نمایند. آنها نه تنها درسوگ اعضای خانواده و دوستان خود نشسته اند بلکه از اعمال و روش سیاسی «رهبران» تشنه قدرت که منتج به تشویق و فشار برای ازهم پاشیدگی و پارچه شدن ملیت ها میشود نیز متأثر اند. آنها این کار را نمی خواهند. آنها می گویند نمی خواهند در کشور هائی زندگی کنند که «نژاد برتر» دارد در کشورهائیکه مردمانش گروپ خودشان را خیرمقدم میگویند. جهانیکه از طریق چنین جنگ ساخته شده، جهان توأم با عدل نیست که آنها رضاکارانه خود را برایش قربان کنند.

در موزنبیق، مهاجرین عودت کننده و مردمانیکه در خلال جنگ کشور را ترك نکرده بودند، مجدداً در پهلوی هم زندگی میکنند. آنها از صحبت در مورد جنگ اخیر می پرهیزند. ضرورت عاجل برای از سرگیری زندگی در کشور شان مقدم بر همه اهدافی است که احساس می نمایند. قبل بر این اهداف شان درگیری و جنگ بود که برای شان مصیبت به بار آورد.

در سریلانکا خانمی با ابراز این جمله که «بطن خود را برای جنگ از دست دادم» احساس اکثریت مردم را انعکاس داد. مادران از روسیه سرویسی را گرفته و به چینیا رفتند تا فرزندان سرباز شان را به خانه برگردانند. این مادرها کاملاً در ضدیت با نیل به مقصد سیاسی از طریق اعمال خشونت آمیز بودند.

در سومالی، يك هفته بعد از بیرون شدن عساکر ملل متحد، هزاران نفر از شهروندان در جاده های موگادیشو راه پیمایی کرده و عدم رضایت و مخالفت شانرا برای آغاز مجدد جنگ توسط جنگ طلبان ابراز داشتند. آنها شعار میدادند که جنگ صرفاً تلاشی است برای بدست آوردن ثروت و قدرت توسط افراد مشخص و جنگ برای مابی هدف است.



مردمان يك کشور و کشورهای دیگر میگویند. جنگی که آنها در آن درگیر هستند، نه عادلانه است و نه مشکلات واقعی را که مردم به آن مواجه اند، > میکند. آنها متذکر میشوند که رهبران شان آنها را برای جنگ بی هدف «به کار گرفته اند. تکیه کلام عام این است که» ما قبلاً توانستیم باهم زندگی کنیم، چه حالا می جنگیم؟» آنها با استفاده از الفاظ و کلمات انزجار شان را از رهبران نهایت تشنه به قدرت ابراز می نمایند ولی خودشان توان و قدرت ندارند تا از طریق متمر دیگر، عکس العمل نشان دهند.

تنفر روز افزون از جنگ به صفت يك وسیله موثر برای رسیدن به اهداف اجتماعی و از جنگ سالاران بخاطر نادیده گرفتن بهای گزافی که مردم غیر نظام در جنگ می پردازند، دیده میشود.

### جنگ های امروزی: علل بنیادی یا عوامل جنبی؟

اکثراً گفته شده که برای ختم جنگ، باید به «علل ریشه ای» یا بنیادی آ توجه کرد. این عوامل شامل فقر، تنگ نظری، محرومیت سیاسی و سایر اشکال بی عدالتی است. معهذا، جنگ هایی که در بالا از آن تذکر رفت توسط مردمان فقیر و غریب آغاز نگردیده که در جستجوی عدالت اقتصادی هستند و یا توسعه آنها نیکه در حاشیه اجتماع قرار دارند و در جستجوی شناخت سیاسی هستند جنگ ها توسط افراد و گروهك هایی که دسترسی به سلاح و جنگ جویان ماه دارند به منظور داعیه، قدرت طلبی آغاز گردیده. گرچه این رهبران ادعا دارند که علیه بی عدالتی های گذشته مبارزه و جنگ میکنند ولی شواهد موجود گواه ای امر است که عدالت و انصاف نه محرك بنیادی برای جنگ نه نتیجه احتمالی جنگ های شان است.

حالا از مردمانیکه در ساحات جنگ بصر میبرند، اکثراً شنیده شده که تبصر میکنند: درجنگی که درگیر هستند بخاطر علل اصلی نیست. آنها متذکر میشود که جنگ در ذات خود مشکلات تازه را ایجاد میکند. بیرحمی ها وستم، انتقا جویی ها و تنفر ناشی از این اعمال ریشه وعامل اصلی جنگ های آینده خواهد بود.

آنهايکۀ امروز، در ساحات جنگ مساعدت می‌رسانند، نیاز دارند تا ارتباط مبهم و گیج‌کننده بین دستیابی به عدالت و ختم جنگ را که در اطراف خود می‌بینند، بیاموزند و به حل آن اقدام نمایند. بی‌عدالتی در هرجامعه وجود دارد. بشر دوستان باید همیشه در تشخیص آن مساعی به خرج دهند و آنها را کمک کنند که برای از بین بردن بی‌عدالتی سعی مینمایند. در عین زمان، تجارب اخیر نشان میدهد که درست نیست حدس زد که ادعای هر جنگجو برای رسیدن به «داعیه ارزشمند» واقعیت دارد. هرگاه این امر واقعیت داشته باشد که باشندگان مناطق درگیر جنگ به چشم‌سر ببینند که جنگ عدالت و انصاف را بهبود نمی‌بخشد، درین حالت کارمندان کمک‌رسانی نمیتوانند به نام عدالت با طرفین درگیر جنگ متحد شوند.

### جنگ‌های امروزی: در خدمت منافع بعضی قرار دارد.

گرچه اکثر مردمیکه در مناطق درگیر در جنگ زندگی میکنند، متعهد به ادامه جنگ نیستند مگر افراد و موسسات صنعتی وجود دارند که منافع‌شان را در مداوم جنگ می‌بینند.

۱- آدم‌کش‌ها: خصوصیت مشترک و در حال رشد دریک عده از جوامع جنگ‌زده، پیوستن جوانان به ملیشیاها برای کسب نام است و جنگیدن را کار زندگی روزمره‌شان میدانند. با داشتن اختیار محدود اقتصادی یا اجتماعی، و با پوشیدن یونیفورم و گرفتن سلاح با اشتیاق تمام عضوگروپ مسلح میشوند که اکثراً آسیب‌پذیر است. آنها مدعی‌اند که از جنگ «لذت می‌برند». جنگ را هیجان‌انگیز می‌دانند. با استفاده از سلاح، دیگران را وادار به انجام عملی میکنند که خود قومانده می‌دهند. چون دهشت‌افگنی، اذیت و آزار. آنها به باندیست‌هایی مبدل می‌شوند که فاقد دسپلین و کنترل هستند. جنگ‌ها- بعضی با هدف واقعی- به جنگ‌های آدم‌کشی تبدیل میشود. این جوانان هرکس را بخاطر ثروتمند شدن خود تهدید و چپاول میکنند و یا هم به خاطر لذت بردن از انفاذ قدرت بالای

دیگران به تخویف و ارباب مردم دست میزنند - این گروه احساس میکنند که هرگاه جنگ ختم شود همه دار و ندارشان را از دست می دهند.

۲- آشتی ناپذیرها یا ناسازگارها<sup>(۱)</sup> در پهلوی آدم کش ها افراد دیگری هستند که سلاح بدست می گیرند و بعداً یا قادر نمیشوند و یا هم نمی خواهند که به صلح روی آرند. این «آشتی ناپذیرها» بعضاً مردمانی اند که مرتکب جرایم سنگین جنگی شده اند. آنها میدانند که هرگاه جنگ ختم شود، مجازات خواهند شد. گروپ دیگر آنهایی اند که «داعیه» جنگ را که آنها در آن درگیر اند جنبه ای آیدلوزیک داده و بدین باورند که هیچ نوع مصالحه با دشمن امکان پذیر نیست پیروزی کامل یگانه راهیست که آنها قبول خواهند کرد.

۳- تاجران اسلحه و سایر سود برندگان<sup>(۲)</sup> علاوه از آنچه در بالا تذکر رفت، شرکت ها و موسسات صنعتی مولد سلاح موجودیت خود را به عرضه سلاح مربوط میدانند، سود بیشتر را در طرح، تولید، انتقال و فروش سلاح کم وزن و قابل انتقال، سلاحی که به سادگی پنهان ساخته شود و دارای تخنیک های کشنده باشد، در نظر می گیرند. یک عده دیگر جنگ را تشدید می بخشند تا از فروش اشیای ممنوعه در بازار های مختلف، سود و فایده ای قابل ملاحظه بدست آرند.

این گروپ ها امکانات زندگی شان وابسته به در آمد حاصله از جنگی است که دیگران در آن درگیر اند و از «آدم کش ها» تفاوت دارند زیرا آنها اختیارات اقتصادی و اجتماعی دارند. بآنهم، زندگی همه این گروپ ها وابسته به ادامه جنگ است - تا قدرت، ثروت و موقف اجتماعی نسبی خود را بالا ببرند.

۴- امداد گران (کارکنان امور امدادی): بالاخره و به شکل عجیب، پس از مدتی که مواد امدادی برای مردم مناطق جنگ زده تدارک میشود، گروپ چهارمی نیز وجود دارد که برای تداوم فعالیت های خود علاقمندی خاص دارد - این گروپ شامل افراد محلی و بین المللی اند که برای انجام کاری در موسسه بین المللی کمک رسانی استخدام میشوند. چون دریورها، سکرترها، محافظین گدام ها، کارمندان پروگرام ها، افراد رابط با مقامات ذیصلاح وغیره. اکثراً زمانیکه سایر اشکال

باید منظم در يك منطقه جنگ قطع میشود، آن افرادی که شامل کار در سازمان مدادی هستند، وسیله کمک مالی برای اعضای خانواده و دوستان خود میگردند. بی این ملحوظ يك گروه قابل ملاحظهء مردم، توقف جنگ را که باعث قطع کمک های عاجل میشود، خطری برای ادامهء حیات شان تلقی میکنند.

### خلاصه:

اکثر جنگ های امروزی دارای مشخصات مشترك اند. جنگ ها نه بخاطر بدالت بلکه برای کسب قدرت شروع گردیده و در داخل سرحدات يك کشور توسط وستان و همسایگان و توسط مردمی که احساس میکنند تحت نفوذ رهبران شان قرار آرند - و توسط آنهایی که معتقد نیستند که جنگ هدف مثبتی را دنبال میکند، سورت می گیرد. علاوه بر قدر جنگ به درازا بکشد، گروهك های درگیر بزرگتر ده و سر انجام به ادامهء همیشگی جنگ متعهد می شوند. شناخت طبیعت چنین نگ های مشخص اولین قدم مهم در طرح مجدد پروگرام های امداد رسانی و آوگیری از ضرر رسانی و هم متیقن شدن به این امر که ظرفیت های محلی برای نجات را باید حمایت کرد، به شمار می آید.

## فصل سوم

### اهداد در ساحات جنگ:

### اثرات اهداد چیست؟

مؤسسات بشر دوست و ادارات همکاري هاي انكشافی، كمك هاي شان را به شكل فزاينده در ساحات جنگ زده ميرسانند. طبعاً كمك بشر دوستانه در جريان جنگ و هنگاميكه به كمك هاي عاجل ضرورت می افتد، براي آنهائي داده ميشود كه زندگي و فعاليت روزانه شان را جنگ كاملاً مختل کرده است. كمك هاي انكشافی در قبل وبعد از جنگ، در جاهائيكه تشنج و اختلاف هنوزهم موجود است، صورت ميگيرد. درين حالت از همكاري بخاطر پيشبرد پروگرام هاي طويل المدت اقتصادي - اجتماعي بصورت سيستماتيک ميتوان استفاده نمود. حوادث سالهاي اخير سبب شد تا كمك ها بيشتر به سبب عاجل متمرکز شود تا اينكه به موضوعات انكشافی. با اين چرخش كمك از انكشافی به عاجل، مقدار كمك را كه از طريق مؤسسات غير حكومتي صورت ميگيرد به شكل قابل ملاحظه افزايش ميدهد. در دهه ۱۹۹۰، حكومات كمك دهنده و ادارات ملل متحد بالاي مؤسسات غير حكومتي به صفت شرکاي فعال خود حساب ميکنند. درنتيجه كمك گيرندگان مؤسسات داوطلب را به نظر «منابع تمويل کننده» بزرگ وعاملين عمده درتصميم گيري براي ادامه كمك می شناسند» و به اين باور اند كه اين ادارات تأثيري در بخش كمك دهی دارند.

کمک های بشری و انکشافی در هر مرحله جنگ تأثیری بالای جنگ داشته است. تجارب نشان میدهد که چنین کمک ها یا تشنج موجود را افزایش میدهد، یا پروسه و فعالیت هائی را تقویت می بخشد که در مغایرت باهم آهنگی و بی طرفیست و اثرات بی طرفانهء همچه کمک ها ناممکن به نظر میرسد.

اثرات کمک های بین المللی در حالات جنگی نظر به بعضی مفاهیم محصول فرعی (by-product) شناخته میشود. اثرات، شاید منفی باشد. حتی در حالاتیکه مقاصد و اهداف آن به شکل موثر بر آورده شود (و یا عکس قضیه). به این مفهوم که کمک های بشر دوستانه شاید حیات مردم را نجات بدهد غذای مورد نیاز را تدارک کند و یا خدمات اولیه صحی را انجام بدهد، ولی در عین زمان درگیری ها را تقویت می بخشد که در قدم اول موسسات امدادی را به رسانیدن کمک تشویق کرده است. کمک های انکشافی هم مانند کمک های بشردوستانه شاید در انکشاف بهبود اداره و ادامه کار آن که مردم را از نظر اقتصادی تضمین میکند، موفق باشد ولی درعین حال سبب تشدید تشنج بین گروپ ها و احتمالاً باعث برخوردها گردد. (گرچه شواهد درین مورد وضاحت کامل ندارد، تصور این امکان موجود است که امداد و کمک به اهدافیکه در نظر است نرسد. بطور مثال نجات حیات مردم یا حمایت از وضع انکشافی. ولی با استفاده از طرق دیگر، واقعاً میتوان جلو برخورد و درگیری را گرفت).

متأسفانه شواهد میرساند که امداد رسانی، اکثراً جنگ و درگیری را بدتر می سازد (هرچند از نظر رساندن کمک های بشری و انکشافی موثر هم باشد) تا اینکه در فروکش آن کمک کند. بر منبای این حقیقت است که پروژه های ظرفیت های محلی برای صلح، تشویق میشود تا راه های مناسب تر را برای برنامه ریزی جستجو نماید. در فصل های بعدی وقتی این مسایل را مطرح میکنیم، باید دور نمای روشن اثرات امداد را بر جنگ در نظر داشته باشیم. لذا قبل از اینکه به این فصل پایان بخشیم، یک نکته دیگر را نیز تذکر میدهیم.

## محدودیت های اثرات مثبت و منفی کمک های بالایی جنگ

### ودرگیری

در حالیکه همکاری و امداد میتواند گرایش های جنگی را تشدید بخشد، کمک ها به ذات خود، سبب درگیری نمیشود. جنگ ها واقع میشوند، ادامه میابند و بنابه دلایل متعدد انجام می پذیرند. حتی اگر کارمندان بخش امداد رسانی همه چیز را «بدرستی» انجام داده باشند، بآنهم اگر مردم صلح نخواهند، جنگ ها ادامه خواهد یافت.

به همین منوال، کارمندان بخش کمک رسانی صلح را آورده نمی توانند، هیچکس نمیتواند برای شخص دیگری صلح «بسازد» صلح را «حفظ کند» و یا صلح را «تقویت» بخشد. مردم و جوامع باید شرایطی را ایجاد کنند تا بر اساس آن صلح خود را پایه گذاری نمایند.

گرچه تدارك کمک در حالات و جاهائیکه در آن زدو خورد وجود دارد، همیشه تاثیری بالایی جنگ دارد، اما تاثیر آن منحصر به يك سلسله عواملیست که خارج از کنترل تهیه کنندگان مواد امدادیست. با شناخت و فهم بیشتر ما از روابط بین امداد و جنگ، این موضوع در خور اهمیت است که واضح سازیم کدام يك از تصمیم ما-آنچه را که حقیقتاً کارمندان بخش امداد رسانی انجام میدهند، واقعاً میتواند موثر باشد - تغییر بزرگتر را سبب میشود. در ذیل، در حالیکه ما اثرات امداد را بر جنگ مورد بررسی قرار میدهم، همچنان به شکل مشخص روی يك سلسله تصمیمی که يك کارمند بخش امداد رسانی اتخاذ میکند و اعمالیکه موصوف در حالات پیچیده و به منظور اثر بخشی متمرکز انجام میدهد، عطف توجه میکنیم.

## فصل چهارم

### با دادن امداد چه اشتباهاتی رخ میدهد؟

شواهد از بسیاری ساحات نشاندهنده آنست که کمک های بین المللی اکثراً بجای کاهش موجب تشدید زد و خورد ها می شود. از چندین سال کمکهای انکشافی روی این باورمندی ادامه پیدا کرد که کمبود اقتصادی سبب ازدیاد تشنج می گردد. به عبارت دیگر، فقر و غربت در ایجاد تشنج سهم داشته و هم یکی از عوامل جنگ خاصتاً در جوامع فقیر میباشد. لذا چنین حدس زده شد که هرگونه بهبود و ازدیاد در تولیدات اقتصادی يك کشور، در تخفیف تشنج بین گروپ ها کمک خواهد کرد زیرا با افزایش تولیدات، سرمایه و دارایی بیشتر شده و از آن بهره گیری و لذت برده میشود. ولی شواهد فعلی این حدس و گمان را غلط و نادرست نشان میدهد. (۳)

مثال های امروزی نشان میدهد که وقتی منابع خارجی به محیطی که مردم آن درگیر جنگ هستند و کمبود منابع وجود دارد، وارد میشود، منابع خارجی (کمک های بیرونی) به چندین طریق قابل تشخیص و پیشبینی درگیری و زد و خورد را افزایش می بخشد. این تاثیرات منفی را میتوان در دوکتگوری مرتبط باهم ارزیابی نمود.



## انتقال منابع (كمك ها):

در قدم نخست، رساندن كمك در ممالك جنگ زده، به شكل مستقيم ويا غيرمستقيم مساعی جنگی را ميتواند تقويت بخشد.

كمك مستقيم در جنگ: كمك مستقيم زمانی صورت می گیرد كه مواد امدادی، مورد استفاده، طرف های درگیر جنگ و به منظور تغذيه خود شان قرار گیرد. بطور مثال، مواد غذایی وسایر موادیکه توسط موسسات كمك رسانی به منطقه، جنگ برده میشود اکثراً توسط افراد مسلح دزدی شده ويا بالای این مواد تكمس وضع می گردد ويا توسط طرف های درگیر در جنگ برای اعاشه واکمال عساکر شان ضبط میشود.

كمك غير مستقيم در جنگ: كمك غير مستقيم به چهار طریق مشخص بوقوع می پیوندد.

اول: كمك های خارجی كه بخاطر رفع نیازمندی های مردم ملكی رسانده میشود، سبب میگردد تا امكانات موجود محلی كلاً بخاطر تقويت قوت های نظامی استفاده گردد.

دوم: با كنترول راهای عبوری، طرف های درگیر جنگ قادر میشوند تا مردم ملكی را تحت نفوذ خود قرار دهند. بطور مثال طرف ها، مردم را مجبور میسازند تا به جاهای مشخص غرض دریافت كمك بروند وبدین طریق مخالفین خود را تضعیف و حامیان خود را تقويت كنند آنها همچنان با كنترول جریان مواد امدادی، شاید مشروعیت سیاسی كسب كنند، زیرا دیده میشود كه آنها توان «تدارك» مواد را برای مردم دارند.

سوم: مساعدت های خارجی ميتواند وضع اقتصاد را مختل کرده و برگشت به اقتصاد زمان صلح را مشكلتر و احتمال آنرا كمتر نماید. بطورمثال مساعدت خارجی شاید شیوه های استخدام نورمال افراد ملكی را تحت تاثیر قرار دهد. بدین معنی كه كارمندان ماهر ملكی كه معاش شان مناسب نیست از كار ملكی دست میکشند. ووقتیکه این افراد برای كار امداد رسانی در حالات جنگی استخدام می

شوند، روش زندگی و معیشت و توقعات شان در پیوند با اندازه معاشات به شکل حیرت انگیز عوض میشود، زیرا آنها با گرفتن مزد خوب عادت میکنند. تجارب نشان داده که برگشت این افراد به کارهای که عاید یا معاش کم دارد، اکثراً مشکل برای شان تمام میشود. به همین شکل با پر کردن مارکیت توسط اشیای وارد شده از بیرون (تنزیل قیم) و یا با ازدیاد تقاضا (وگرانی اشیاء) برای مواد محلی، مساعدت های خارجی سبب اخلاص قیم و انگیزه کار میشود. اثرات قبول شده امداد مواد غذایی که از بیرون کشور صورت میگیرد، بالای قیم مواد غذایی و دست آورد دهاقین مثالاست از مطلب اولی. تاثیرات شناخته شده در قیمت منازل که از آمدن تعداد زیاد کارمندان بین المللی ناشی میشود، مثال مطلب اخیر است.

چهارم: سرازیر شدن کمک های خارجی در جاهاییکه کمبود مواد وجود دارد و مردم باهم درگیر جنگ هستند، اکثراً منتج به تشدید بدگمانی، دشمنی و رقابت برای کسب پول و قدرت بین گروپ های جنگ طلب میشود. داشتن منابع مالی، وسایل و پول، نمایندگی از قدرت میکند؛ نزاع و جنگ برای قدرت است. کمک ها از هر نوعی که باشد «ستیزه جوئی» دیگری را بمیان می آورد، یک منبع دیگر قدرت را، که هر یک از گروپ ها راههای کنترل و انحصار آنها جستجو میکنند.

### پیام های بلا تردید اخلاقی:

یک نمونه عمده دیگر که بوسیله آن مساعدت ها و امداد، بطور غیر عمدی وسهواً، نزاع و برخورد راتقویت می بخشد پیامهای است که امداد با خود دارد. پیام صریح، روشن و عمدی مساعدت ها، پیامیست بشر دوستانه و حاکی از ترحم. با دادن کمک، جامعه کمک کننده اعلان میدارد که رنجیده ها مستحق امداد بشر دوستانه اند و همه شهروندان ملکی حق دارند از این کمک ها بدون هر

نوع همبستگی های سیاسی در زمان جنگ، بخاطر زنده ماندن بهره مند شوند. معهذا، با وجود صراحت این پیام ها، تجارب نشان میدهد که طرق انتقال مواد امدادی نیز حامل پیام های مشخص اخلاقی است که غالباً برخورد را تشدید می بخشد. چهار نوع از اینگونه پیام ها وجود دارد که سبب ادامه جنگ و برخورد میشود. (۴)

### پذیرفتن شرایط افراد درگیر جنگ:

اول، شاید مواد امدادی به طرقي تدارك گردیده باشد که در مطابقت با قبولی شرایط جنگی باشد بطور مثال، وقتی ادارات کمک دهنده افراد مسلح را برای محافظت موادی که انتقال میدهند، استخدام می نماید و یا زمانیکه این ادارات با گروه های درگیر در جنگ برای رساندن کمک به نیازمندان ملکی مذاکره میکنند، طرفین در پاسخ میگویند، این حق مشروع برای سلاح داده شده تا تصمیم بگیرد که چه کسی دسترسی به مواد امدادی داشته باشد و چگونه آنرا بگیرد. ادارات کمک دهنده انجام چنین کار را بخاطری موجه میدانند تا از انتقال مواد به اتباع کشور که واقعاً نیازمند اند، متیقن گردند. گروه ها ادعا دارند که استفاده از سلاح ومذاکره کردن به منظور يك داعیه «خوب» یعنی نجات دادن حیات است. ضعف این ادعا درین است که سایر گروه ها نیز ادعای بالمثل میکنند. آنها میگویند بخاطری به سلاح متصل میشوند تا کار «خوبی» انجام دهند. استفاده از سلاح، بخاطر این انگیزه، بقدر کافی، موجه به نظر نمیرسد.

### بخشیدن مشروعیت برای جنگجویان:

دوم، با کاربرد طریقه مواد امدادی انتقال یافت، ادارات کمک دهنده شاید به رهبران گروه های درگیر در جنگ قانونیت قایل شوند که در نتیجه نیرومندی شانرا تقویت و حق به جانب بودن شانرا تأیید نمایند. بطور مثال وقتی امداد گران بخاطر رسانیدن مواد امدادی با گروه حاکم در يك منطقه به مذاکره می پردازند، این عمل به ذات خود حامل پیامیست که گروه متذکره از مشروعیت قانونی

برخوردار است و حق دارد تصمیم بگیرد که کدام اشخاص، چگونه و چه وقت از کمک های خارجی بهره مند شوند.

### تاثیرات منفی امداد بالای ارزش های زمان صلح:

بسم، مساعدت ها شاید ارزش های را که در زمان صلح حایز اهمیت باشد تحت تاثیر قرار دهد. طرز زندگی کاره دان بین المللی در فرهنگ محلی و معاشرت آنها با مردمان همان محل پیام های مفهوم شده را با خود دارد. نگرانی صرفاً بخاطر مستریح بودن و مصئونیت کارمندان بین المللی موسسات داوطلب و نه بخاطر کارمندان محلی و سایر مردمان آن محل، حامل پیام تفاوت های ارزش حیات است که در جوامع دریافت کننده کمک از بین نرفته است.

ضایعات مازاد مساعدت ها و مواد امدادی وعدم توجه کشورهای کمک دهنده در امر حسابگیری از کارکنان موسسات حاکی پیامی است که آنها (موسسات) به هیچ مرجع مسئولیت ندارند. هرگاه برای کارمندان بین المللی قابل قبول باشد که بطرول یا مواد غذایی را که قلت دارد بیهوده صرف کنند و یا در برابر تاثیرات امداد شان برای گروپهای مختلف جامعه چون زنان، و مردان بی توجه باشند، درین حالت برای مردمان محل نیز بی تفاوت است که اشیای امدادی را اختلاس کرده، از آن ها غرض فراهم سازی تسهیلات برای شخص خود کار بگیرند. درین صورت است که حسابدگی و حسابگیری متاثر میشود.

### تشدید خصومت:

چهارم، سلوك و طرز برخورد ادارات کمک رسانی میتواند خصومت و دشمنی و خشونت را تشدید بخشد. بطورمثال، در اشتها راتیکه به مقصد جمع کردن پول تهیه می نمایند، اکثراً از برخورد های خشونت آمیز و بی رحمانه تذکر میدهند که توسط یکی از طرفین جنگ بعمل آمده و بدینگونه احساسی را بمیان می آورند که فلان گروپ روش غیر انسانی دارد. این پیام ها تشنجات موجود را شدت داده و حس بدبینی مردم محل را بر می انگیزد.

## طبقه بندی های مرتبط باهم

دو نمونه را درین مقطع تذکر میدهیم که مساعدت ها و امداد میتواند سبب فزونی برخورد و درگیری شود. این دو اکثراً باهم مرتبط اند تا اینکه از هم تجرید شده باشند. بطور مثال، فهمیده میشود که شاید مواد به سرقت رفته و به حمایت مستقیم گروه های درگیر جنگ قرار گرفته. شاید يك ادارهء كمك دهنده عده از محافظین مسلح را برای جلوگیری از این عمل استخدام کند. مگر قسمیکه تذکر رفت استخدام محافظین مسلح حامل پیام روشن و صریح اخلاقی است که استعمال اسلحه را در تصمیم گیری دسترسی به مواد امدادی بجا میداند. عملیکه يك اثر منفی را خنثی میسازد و شاید منتج به عمل منفی دیگری شود. یا قسمیکه تذکر رفت، ادارات امداد رسانی برای رساندن كمك به نیازمندان با طرف های درگیر جنگ مذاکره کنند و زعامت گروه شاید ازین مذاکره برای کسب «قانونیت» «پیام صریح اخلاقی» و تحت نفوذ قرار دادن افراد منطقه ایکه مواد امدادی برای شان میرسد «نتیجه غیرمستقیم انتقالات مواد» استفاده نماید. درین حالت اعمال ادارات كمك دهنده شاید منتج به وخیم شدن درگیری گردد.

در حالیکه استفاده ازین دو طبقه بندی برای آشنا شدن با تاثیرات امداد رسانی بالای جنگ سودمند است، درعین زمان این طبقه بندی ها باهم مرتبط اند. تحلیل اثرات امداد رسانی، ایجاب می کند که ما تاثیرات مادی و معنوی تصمیم و اقدامات خویش را که بخاطر امداد رسانی اتخاذ میکنیم، بر ملا سازیم. در فصل آینده قدم دیگری به پیش می گذاریم و به بررسی تجاری که آموخته ایم می نشینیم - یعنی چگونه میتوان از اثرات منفی چند جانبه كمك رسانی و امداد جلوگیری کرد.

## فصل پنجم

### چگونه میتوان از این اثرات منفی جلوگیری کرد: سوگند (هیپوکراتیک) در اعطای امداد

دوکتوران طب همینکه بعد از فراغت و اخذ سند تحصیلی به طبابت آغاز میکنند، آنها «سوگند میخورند» در این سوگند خاطر نشان میشود که در مسلک طبابت خطراتی هم وجود دارد که بعضاً تداوی مرض میتواند خطراتی را به مریض ببار آورد روی این ملاحظه قسمت عمدهء سوگند، تعهدیست از طرف دوکتوران که آنها «در قدم نخست نباید ضرر برسانند». چنین نظر داده شده که کارمندان کمک رسانی نیز چنین سوگند را یاد کنند.<sup>(۵)</sup> با فهم این مطلب که عرضهء کمک های بشری و یا همکاری های انکشافی ولو با رغبت تمام صورت بگیرد، بازهم میتواند به شکل غیر عمدی ضرر برساند. این کارمندان هکذا باید اعلام بدارند که «اولاً آسیب نرسانند».

ولی آیا چنین يك تعهد مفهومی خواهد داشت؟ آیا این امکان موجود است تا از بروز اثرات منفی همکاری و امداد که در بالا تذکر داده شد، جلوگیری نمود؟ تجاریکه از اکثر ساحات درگیر جنگ بدست آمده نشان میدهد که بروز اثرات منفی در امداد رسانی اجتناب ناپذیر نیستند. تجارب نشان میدهد که

کارمندان امداد رسانی روش های متعددی را در امر امداد رسانی دارند که میتوانند بادر نظر داشت حالت، یکی از آنها را انتخاب نمایند. ازین همه این روش ها باید همان يك را انتخاب کرد که بر خورد موجود را تشدید نبخشد.

### **عقیده، غلط انتخاب این یا آن**

در حالات جنگ، کارمندان بخش امداد رسانی اکثراً «این/یا آن» عقیده را در عملکرد شان انتخاب میکنند. بطور مثال آنها احساس میکنند که یا باید افراد مسلح را به منظور محافظت انتقال اموال امدادی استخدام کنند یا این احتمال را در نظر بگیرند که مواد به نیازمندان آن نخواهد رسید زیرا توسط طرف های درگیر جنگ به سرقت خواهد رفت. آنها احساس میکنند که یا باید شرایط جنگجویان محلی را در امر انتقال مواد امدادی که بالای شان جبراً قبولانده می شود بپذیرند یا از ساحه ای که تحت کنترل جنگجویان است. بیرون شوند و در آن جا فعالیت نکنند. آنها احساس میکنند که یا باید از تصاویر و داستانهای وحشت انگیز جنگ استفاده کنند یا در غیر آن صورت قادر نخواهند بود تا پول کافی را بدست آورند تا به نیازمندان و قربانیان جنگ کمک رسانند.

(ولی جهان به ندرت چنان روشن است که باید باشد)

کارمندان ادارات کمک رسانی در ساحه، به یافتن علی البدل هائی توفیق یافته اند که زمینه دزدی و کنترل غیرمجاز و ناروا را در کار شان از بین برده است. طرق متعددی برای توضیح اثرات جنگ وجود دارد تا سخاوتمندی کمک دهنده را جلب کرد بدون اینکه از نمایاندن تصاویر غیر انسانی قربانیان و بیاعاملین آن استفاده نمود.

در ذیل دو مثالی را تذکر میدهیم که تدارك کنندگان مواد امدادی هنگام تهیه مساعدت به آن روبرو بودند سعی میکردند تاضرر نرسانند، هر يك ازین مثالها دزبرگیرنده معضله ایست که در بالا در انتقال مواد ویا در رسانیدن پیامهای تلویحی اخلاقی، اثرات منفی به بار آورده است. در هر يك ازین مثالها،

طرق متعدد انتخاب برای جلوگیری از اثرات منفی تقدیم شده است. این علی البدل ها از تجارب واقعی در ساحه جمع آوری گردیده است. چنانکه روشن خواهد شد هیچ يك از راههای انتخابی که در ذیل توضیح میگردد در همه جا عملی نخواهد بود. هدف از تذکار و توضیح این راه ها به کارمندان بخش کمک رسانی واضح میسازد که آنها مقید به «این یا آن» نیستند. تجارب نشان میدهد که چگونه درین قضایای کوچک ارایه شده امکان انتخاب طرق مناسب برای انتقال مساعدت ها حتی در محدودهء جنگی وجود دارد.

### **مثال اول: دفع دزدیدن مواد، بدون استفاده از سلاح.**

«هدف تدارک کنندهء کمک: انتقال اشیاء از نقطهء الف (ذخیره گاه) به نقطهء ب (جائیکه به نیازمندان توزیع میشود).

«پووبلم: گروه های جنگجو و قطاع الطریقان در ساحه نفوذ دارند، احتمال دزدی اشیاء زیاد است.

### **«انتخاب راهای موثر**

۱- در سومالیا، چندین اداره امداد رسانی با بزرگان قبیلهء محلی طی يك صحبت گفتند، «هرگاه شما مصئونیت کارمندان و اشیائی را که باید برای تان کمک کنیم، تضمین کرده نمیتوانید، مجبور خواهیم بود تا از برنامه کمک رسانی خود درین جا دست بکشیم». بزرگان محل مسئولیت جلوگیری از سرقت مواد را به عهده گرفتند.

۲- در چندین منطقهء جنگ، ادارات کمک دهنده به این نتیجه رسیدند که استخدام يك تن از تاجران محلی، انتقال مواد را بدون هرگونه برخورد تضمین میکند. ادارات پس از رسیدن اشیاء به جای مطلوب، دستمزد این خدمات را می پردازند. تاجر محلی خودش مصئونیت انتقال مواد را طوریکه میداند طرح و عملی می کند، و اداره کمک دهنده مصرف انتقال و بیمه را می پردازد.



۳- يك عده ادارات كمك رسانی وقوع دزدی را با دسته بندی مواد از نظر كمیت و آنچه كه احتمال دزدی را داشته ویا کمتر میسازد، بررسی میکنند بعضی اوقات، مواد امدادی كه پرحجم نبوده و پنهان كردن آن آسانست (چون پول) کمتر در معرض خطر سرقت قرار میگیرد. زیرا پول را میتوان بدون استفاده از كاروان وسایل نقلیه و جلب توجه دزدان احتمالی انتقال داد. بعضاً عكس قضیه صدق میکند: بطورمثال در يك ساحه رادیوهائیکه به خانها توزیع میگردید به سرقت میرفت (یا توسط اعضای خانواده های شان غصب میگردید). اداره كمك دهنده رادیوها را با رنگ طلایی روشن رنگین کرد. سرقت رادیو خاتمه یافت زیرا هرکس میدانست كه اگر مردی از این رنگ رادیو استفاده میکند آنها از خانمی غصب کرده است! در سایر حالات، اشیائی انتخاب میشد كه ارزش محلی آن پائین تر از ارزش اشیائی از همین جنس میبود (بطور مثال ارزش جواری محلی با انواع گران بهای دیگر آن). این كار بخاطری صورت میگرفت تا توجه دزدان احتمالی را کمتر ساخته باشد.

۴- در كمبودیا یکی از ادارات تعدادی از خریطه های پول معاش را دو هفته یکبار از مركز به محل دوردست برای كارمندان خود توسط طیارهء ترانسپورتی انتقال میداد- روی خریطه ها «گندم» نوشته شده بود. به مجرد رسیدن طیاره به میدان هوایی محلی، اداره مذکور به عوض اینکه خریطه ها را بالای لاری ها بار کند و كاروان مسلح آنها به دفتر برای توزیع برساند، انواع وسایل نقلیه كوچك و غیر مسلح را كه هر کدام يك یا دو خریطه پول را حمل میکرد، استفاده نمود. وقتی طیاره به زمین می نشست، یکی از خریطه ها در پشت بایسكل، دو دیگر در تول بكس موتر خورد، چندین خریطه درلاری پك آپ و دیگر خریطه ها در بالای يك تراكتور زراعتی و غیره وسایل نقلیه، به منزل مقصود رسانیده می شد. این وسایل از میدان با استفاده از راههای مختلف كه به شهرك منتهی میشد، رهسپار می شدند. هرگاه یکی ازین وسایل ربوده میشد، ضایعات آنقدر زیاد نمیبود، و نه به تلاش دزد منفرد می ارزید.

۵- در افغانستان اکثر ادارات كمك دهنده، در راه عزيمت از يك ساحه به ساحه ديگر كه به غرض توزيع مواد امدادی صورت ميگرفت هميش مورد دستبرد قرار می گرفتند. یکی ازین ادارات سرانجام با اخذ این تصميم كه نبايد هيچ منطقه را از نظر دور داشت، به دستبرد پايان بخشيد. اين اداره پروگرام امداد رسانی خود در يك شهرك آغاز و از آن به شكل مركز واحد، فعاليت خود را به تمام قرائيكه در اطراف شهرك و در امتداد سرك عمومي قرار داشت انجام داده بدينگونه، امداد به همه ساحات و قراء رسيد و سرقت متوقف شد.

۶- در يك منطقه روستايی افريقا، موضوع انتقال مواد امدادی هيچگاه اعلان نميشد، انتقالات به شكل غيرمنظم و مطابق به تقسيم اوقات پيش بينی نشده صورت ميگرفت. حاملين مواد هر بار از راههای متفاوت استفاده ميکردند. راز داری و اختفاء معنی تقليل بخشيدن دزدی را ميدهد.

۷- در يك منطقه ديگر روستائی افريقا، همه انتقالات از طريق رادیو، بلند گوها، ميگافون و هر وسيله ممكنه ديگر اعلان ميشد، دزدی تقليل يافت. مردميكه به توقع رسيدن امداد، دزدان احتمالی را مسئول می پنداشتند خود به خاطر منفعت شان، نقش محافظ را در انتقال مواد بازی می کردند و از دستبرد مواد جلوگیری نمودند.

۸- در تاجکستان بعد از جنگ، انتقال ماهانه مواد تعميراتی برای ساختمان خانه ها (خاصتاً مواديكه برای پوشش سقف) از آن استفاده ميشد در معرض خطر دزدی از گدام ها وجائيكه محموله از قطار تخلیه ميشد ويا از انبارها، قرار ميگرفت. کارمندان مسؤل انتقال اين مواد، سرعت عمل در توزيع آن رامسئله مهم تلقی کردند. روی اين ملاحظه، بمجريديكه مواد تعميراتی ميرسيد در يکروز توزيع ميشد. اين کار ايجاب ميکرد تا تعداد کافی افراد برای ساعات بيشتري، از سبيده دم تا شبانگاهان، مصروف شوند. هيچ يك از اين افراد تا وقتيكه مواد را برای اهالی قراء توزيع نميکردند - به اقامتگاه شان بر نمی گشتند. با کاربرد اين روش، دزدی اصلاً معضله نمی نبود.

**مثال دوم:** استفاده از انتقال منابع به منظور پیوستن مردم با هم - نه از هم پاشیدن شان.

« هدف تدارك كندگان مواد امدادی: تدارك مواد برای رفع نیازمندی های مردم در يك جامعه نیازمند.

« معضله: به خاطر موجودیت تشنج بین گروهها، تدارك مواد به يك گروه، احتمال تشدید تشنج با گروه دیگر را بیان می آورد - چه هر گروه سعی میکند متیقن شود که از طرف ادارات كمك دهنده مورد لطف بیشتر قرار گیرد.

« انتخاب راههای موثر:

۱- در يك منطقه آسیب رسیده روستایی فلپین، یکی از ادارات كمك دهنده، از باشندگان قریه تقاضا کرد تا قبل از اینکه مواد امدادی به آنجا برسد، نیازمندان را طبقه بندی نمایند. اهالی قریه باشندگان را به چهاربخش تقسیم کردند، بهتر از همه اینکه آنها تشخیص دادند که کدام افراد درین تقسیم بندی شامل میشوند. این چهار طبقه عبارت بودند از غربیترین ها، غریب ها، طبقه متوسط الحال و طبقه بالاتر از متوسط. در واقعیت امر، در جریان کار این يك مسئله قابل افتخار پنداشته شد که گفته شود «من آنقدر به كمك نیاز ندارم که آقای فلان دارد». به این ترتیب مردم رضا کارانه نام خود را، به نفع آنهایکه بیشتر نیازمند كمك بودند، از لست حذف کردند و روحیه همکاری و نوع دوستی در محل، جای رقابت ها و مبارزه برای دسترسی به مواد را گرفت.

۲- در يك مركز مستقر در بیت المقدس، یکی از ادارات به ایجاد مراکز مرتبط و موازی باهم ولی مستقل اقدام ورزید - یکی برای زنان فلسطینی و دیگری برای زنان اسرائیلی. مبالغ مساوی برای هر دو مركز تخصیص داده شد. این دو مركز قادر به همکاری برای حل مسایل و برنامه هائی شدند که جنبه مشترك داشت. ولی هر دو مركز، در سایر جنبه های برنامه ریزی و برخورد با مسایل خاص که دارای اهمیت ویژه در اجتماع شان بود، آزادی کامل داشتند.

۳- در بوسنیا، يك اداره كه در چندین محل درگیر جنگ، نمایندگی داشت، توانست تا نمایندگان ساحات مختلف را دورهم گرد آورد - نه به منظور مذاکره برای صلح - بلکه برای تبادل اطلاعات راجع به اینکه چگونه با کمبود ها و مشکلات ناشی از جنگ مقابله کنند. بعد از چندین جلسه، ادارات محلی به تقسیم منابع برای چندین پروژهء مورد نظر هر يك شان به موافقت رسیدند. (بطور مثال تهیه طرز العمل برای کمک های اولیه)

۴- در تاجکستان، اداره ایكه فعالیت خود را در اعمار منازل يكه در جریان جنگ ویران شده بود، متمرکز ساخته بود، دریافت كه این عمل اداره معنی نفع رسانیدن به يك طرف منازعه است یعنی بازندگان جنگ كه متحمل خساره بیشتر از ناحیه تخریب منازل شده بودند، نفع میبردند. برای رفع تشنج ناشی ازین عمل، این ادارهء غیر حكومتی سعی ورزید تا مردمان هر دو ملیت را متیقن سازد كه در تیم باز سازی، افراد هردو گروپ شامل بوده در مقابل كارشان دستمزد و غذا میگرفتند. با این هم، موفقیت در يك محدوده قرار داشت زیرا تعداد زیاد افراد قرائكه تیم را تشكيل میدادند مربوط ملیت واحد بودند. و این موضوع تصنعی خواهد بود اگر پافشاری شود كه مردمان از يك قریه به قریهء دیگر برای اعمار منازل دیگران می روند. سرانجام، ادارهء متذكره تیم «پاك سازی» را تشكيل داد كه توانستند در جاهای عامه - پیاده روها، كانال های آبیاری برای زراعت وغیره كار كنند، كه برای هر دو طرف سود آور بود. ادارات برای دریافت فرصت هائيكه هردو طرف را در كار مشترك سهیم سازد - ادامه دادند.

۵- در موزنبیق چندین ادارهء امدادی دریافتند جاده هائیرا كه آنها بخاطر تحویل مواد امدادی به ریناموی قبلی بازسازی کرده بودند - بزودی مورد استفاده مردمان هر دو محل غرض انتقال اشیاء به ماركیت و بازار های مشترك و وسیله تفاهم بین دو گروپ قرار گرفت.

۶- در يك منطقهء دیگر بعد از جنگ، یکی از موسسات غیر حکومتی دستگاه تولید پشم را در يك قریه که يك جناح درگیر در جنگ را تشکیل میداد و دستگاه تولید گلیم را در قریه دیگر که طرف مقابل را میساخت، تأسیس نمود. هر يك ازین قراء از نظر وظیفه و موفقیت در آن به قریه دیگر متکی شد، گلیم بافان برای مولدین پشم بازاریابی کردند و مولدین پشم برای گلیم بافان تا تولید پشم را بیشتر کنند. بدین طریق طرفین مخالف از نظر اقتصادی بهم پیوند خوردند و بدون جبر واکراه در پهلوی هم، درست اندکی پس از جنگ به کار شروع نمودند.

۷- در امریکای مرکزی یکی از ادارات کمک دهنده، دست به تأسیس موسسات تولیدی برای معیوبینکه جنگجویان سابقه بودند زد. معیوبینکه در جناحهای مخالف جنگیده بودند برای کار استخدام شدند. این مسئله برای معیوبین به مصابهء خصوصیت مشخص استخدام مبدل گشت، آنها ازینکه در صف مقدم مصالحه قرار داشتند و در این راه سعی میکردند، بخود می بالیدند و میگفتند: «وقتی ما يك پای خود را از دست دادیم همه یکسانیم».

۸- در لبنان یکی از موسساتیکه در خلال جنگ خدمات صحی را برای اهالی ملکی انجام میداد (اکثراً بخاطر مصئونیت مردمان و تغییر محل جبهه جنگ کلینک های خود را بجای دیگر انتقال میداد) در مرحلهء بعد از جنگ در صدد آن شد تا کلینک های خود را در خطوطی ایجاد کند که به اثر جنگ حد فاصل شناخته شده بود. به این ترتیب همسایه گان قبلی که از اثر جنگ ازهم جدا شده بودند - پهلوی هم قرار گرفتند و در انتظار رسیدن نوبت برای گرفتن کمک های صحی بودند درین انتظار آنها اطفال خود و همسایگان خود را مشغول بازی می دیدند. برای آنها فرصت جدیدی دست داده بود تا گرد منفعت مشترك (وضع صحی خوب برای اطفال شان) جمع شوند.

باید توجه داشت که مثالهای فوق از شرایط خاص نمایندگی کرده و تا پیمانهای در تخفیف اثرات منفی کمک رسانی، در ساحات بخصوص مفید واقع گردیده.

با درنظر داشت دلیلیکه تذکر داده شد، هیچ يك ازین نمونه ها و مثالها در هر جا، كار نخواهد داد. بعضی ازین مثال ها شاید به ندرت و بعضی شاید به بسیار سادگی در جاهای مختلف قابل انتقال و تطبیق باشد.

قسمیکه در بالا تذکر رفت، منظور از توضیح مثالها، نشان دادن موجودیت انتخاب راهای موثر است. که به عقیده ما در هر شرایطی میتواند اثرات منفی كمك رسانی را تضعیف کند. بادرک وفهم کافی مثالها که سبب افزونی تشنجات میشود و با استفاده از تفکر باز و تصور درست، کارمندان كمك رسانی شاید بتوانند به روش های جدید برای انتقال مواد امدادی دست یابند که برخورد های موجود را تقویت و تشدید نخواهد کرد.

در فصل نهم این موضوع را مورد بحث قرار خواهیم داد که چگونه و تحت چه نوع شرایط، میتوان اثرات احتمالی هر يك از راههای انتخابی را «نقطه به نقطه تعین کرد» و در نتیجه بهترین تصامیم را از جمع راهای انتخابی، اتخاذ نمود. ولی اولاً به «جهت مثبت» كمك رسانی می پردازیم. آیا همچنان ممکن است که تدارک مواد امدادی نه تنها ضرر نرساند بلکه مفیدهم واقع شود؟ چه مثالهایی از اینگونه امداد رسانی داریم؟

## فصل ششم

### اثرات مثبت امداد بالای درگیری و جنگ

تجارب ساحه همچنان نمایانگر این حقیقت است که کمک های انکشافی و بشری این قدرت را دارد تا مردم محل را نیرو دهد که از درگیری دست بکشند و سیستم های علی البدل را برای حل پرابلم های شان که سبب تصادمات میشود ایجاد نمایند. کمک های بیرونی میتواند از ظرفیت های محلی برای صلح که قبلاً وجود دارند حمایت نمایند. این کمک ها میتواند ظرفیتهای ابتدائی را هم به نحوی حمایت کند تا مردم بتوانند از روش های غیر جنگی که بدون این کمک ها برای شان مقدور نخواهد بود - کار بگیرند.

#### حمایت از ظرفیت های موجود محلی برای صلح

دریخش های قبلی متذکر شدیم که حتی در بدترین حالات جنگ، ظرفیتهای محلی برای صلح همیشه وجود داشته این ظرفیت ها در مردم وجود دارد. بعضی از افراد وگروپ علی الرغم آنچه در دور و برشان اتفاق می افتد، به شکل شعوری و به فرمان وجدان، نقش های زعامت را در رد جنگ و انکشاف صلح به عهده می گیرند. بعضی مردم به طور ساده به زندگی ادامه داده، یا از سیستم های موجودیکه بیانگر (وحمایه گر) صلح قبلی است، به رسم، عادت، بخاطر آسوده حالی

و با احساس اینکه تفرقه اندازی ناشی از جنگ معنی ای ندارد حمایت میکنند ظرفیت های محلی برای صلح، در اعمال و روش مردم و پروسه ها و سیستم هایی که مردم در زندگی عادی به آن سرکار دارند، وجود دارند. این عناصر در تصمیم گیری اثرات نیرومند مثبت کمک رسانی به همان پیمانانه اهمیت و واقعیت دارند که در اعمال و کردار و سیستم های جنگجویان قابل اهمیت است.

**اقدامات:** ظرفیت های صلح در انجام اعمال عرض وجود میکنند که توسط آنهاست که به شکل شعوری در مخالفت با جنگ اند و یا توسط مردمانیکه صرفاً با پا فشاری در انجام آنچه را که «عادی» تلقی می کنند، عملی میشود، ظرفیت ها شامل افرادیست که در امتداد خطوط جنگ قرار داشته و یا آنهاست که توقعات شان روی آینده های مشترک بنا یافته است.

**روش ها و طرز تفکر:** ظرفیت های صلح همچنان به شکل روش و طرز دید درجائی وجود دارد که مردم علیه «دشمن» بدون تعصب عمل میکنند، از دیوصفت ساختن گروپیکه بآنها در جنگ اند ابا می ورزند. این حالات زمانی دیده میشود که مردم قصه های افراد طرف مقابل را میکنند. افرادی که علی الرغم و با وجود جنگ در نتیجه آلام در سخاوت مشترک، شجاعت و کمک متقابل در زیر آتش، باهم دوست شده و با باقیمانده اند.

**پروسه ها / سیستم ها:** ظرفیت های صلح در پروسه ها و سیستم های موجود که گروپ ها را بهم مرتبط می سازد، دیده میشوند. این ها میتوانند شامل سیستم های منابع آب و برق، سیستم های مفاهمه و مخابرات و یا گروپ های ملکی ضد جنگ، کنفرانس های صلح و سایر سازمان های مرتبط بهم (وقتیکه به صورت هدفمند دایر میگردند) باشند.

### **ارتقاء دادن ظرفیت های ابتدایی برای صلح**

در پهلوی ظرفیت های موجود برای صلح که میتوان آنرا در جوامع درگیر جنگ پیدا کرد، هستند مردمانی که در برخورد درگیر شده اند ولی با دادن فرصت



ویا تشویق نمودن شان، آنها آرزو دارند (حتی می‌خواهند) تا خود را کنار بکشند. این ظرفیت‌های ابتدائی برای صلح فرصت‌های را میسر می‌سازند تا با استفاده از آن کارمندان موسسات داوطلب بتوانند برنامه را تقدیم و عملی کند تا باشد که امداد شان اثرات مثبت بالای درگیری و نزاع داشته باشد.

در جنگ‌های داخلی که در مناطق مسکونی بوقوع می‌پیوندد، برای اکثر مردم مشکل است تا خود را از درگیری وارهانند. گرچه این مردم از جنگی که در آن درگیر اند، نفرت دارند، خاموشی خود را حفظ و در اعمال، روش‌ها و طرز دیدیکه بالای شان جنگ تحمیل کرده، سهم می‌شوند، زیرا آنها توضیح می‌دهند که خاموشی و سهم بودن در اعمال و کردار، برای زنده ماندن شان امر ضروریست.

وقتیکه پیوند‌های ملیتی معیار تصمیم‌گیری مردم برای اعتماد کردن، خوش داشتن و حتی زنده ماندن کسی می‌شود. خطرناک است تا علیه این ویا آن گروه صحبت کرد ویا مرتکب عملی شد. وقتی مردم جرأت کردند تا جنگ را در انظار عامه مردود بشمارند، این عمل شان به مثابه عدم وفاداری تلقی شده و آنها متحمل خشونت، فحش و ناسزا گردیده در بعضی حالات، به دست افرادی از ملیت خودشان به قتل رسیده‌اند. (۶)

وقتی اکثر مردم جنگ شانرا «از خود» فیدانند و راهی نیز برای ابراز چنین احساسات ندارند درین حالت چنین به نظر می‌رسد که فرصت خاصی برای امداد گران خارجی دست می‌دهد تا برنامه‌های شان را قسمی تنظیم کنند که علاوه از تدارک مواد مطلوبه، زمینهء مصنونی را برای مردم فراهم سازند بطوریکه مردم تشویق شده از طریق غیر جنگی عمل ویا ابراز نظر نمایند.

### **مکان، صدا و محرکات (عواملیکه باعث تشویق میشود)**

تدارک کنندگان مواد امدادی، شاید از امداد به صفت یک میکانیزم برای دسترسی به اثرات مثبت بالای درگیری، از طریق حمایت از ظرفیت‌های موجود برای صلح و از طریق ارتقای ظرفیت‌های ابتدائی برای صلح، استفاده نمایند. در هر

دو حالت امداد شاید فضا و مکان مصئون را ایجاد ویا توسعه بخشد تا در آن مردم با استفاده از طرق غیر جنگی صحبت و عمل کنند. علاوه بر این، امداد، میتواند عوامل محرك مثبت را تدارك کرده و مردم را در اجتناب از برخورد تحريك و تشويق نمايد. (۷)

### **ایجاد فضا و مکان**

در ارائه پروگرامهای امدادی، ادارات کمک دهنده، میتوانند فضا و مکانی را برای مردم ایجاد نمایند تا بتوانند با «طرق غیرجنگی» عمل کنند ویا جائیکه مردم بتوانند با «طرفین مقابل» جنگ در فعالیت های مشترك سهیم شوند. بعضی اوقات ادارات کمک رسانی میتوانند از طریق پروگرام های شان که به منظور ایجاد اعتماد که بیانگر امکان پذیری صلح است - مردم را وادار سازند تا به آینده مشترك بنگرند.

### **زمینه برای بلند کردن صدا**

به همین شکل، ادارات کمک دهنده، میتوانند به ایجاد مجالسی بپردازند که در آن نه جنگ، بلکه صلح، مورد بحث قرار گیرد در بعضی حالات، ادارات متذکره میتوانند قدم های صریحی را در «جادادن صلح دراجندای مجلس بخاطر آنهایی بردارند که راه مصئون دیگری برای بحث روی مسایل مصالحه و مشارکت همگان در روند صلح ندارند».

### **ایجاد محرکات (عوامل ترغیب کننده)**

ادارات کمک دهنده، از طریق برنامه های منظم شان، همچنان میتوانند برای ابراز حقیقت، سهل سازی بعضی چیزها و مشکل ساختن چیزهای دیگر، از منابع پولی شان، از چیزهای که به آن دسترسی دارند، از اشیاء و توانمندی شان استفاده نمایند. در حالیکه بسیاری از مسایل در اعطای کمک های «مشروط» که باید

مورد بررسی قرار گیرد، توانمندی و درك عرضه كمك های مالی و سایر كمك ها در برابر بعضی خدمات، میتواند در بعضی حالات، نیروی مهم دریاری رساندن مردم برای گریز از جنگ باشد. به همین ترتیب قابلیت دسترسی به وسایل ارتباط همگانی، یا در موقعیت های بالا قرار دارند، یا به آراء عامه بین المللی، شاید راهائی را برای مردم محل غرض یافتن چاره های مناسب تر باز نمایند که آنها به تنهایی موفق به چنین کاری شده نمیتوانند. تجارب همچنان نشان داده که استفاده نادرست از اطلاعات، نیز نقش بارزی در تحريك مردم برای جنگ دارد. ادارات كمك دهنده در خنثی کردن تبلیغات تحريك آمیز جنگ میتواند نقش بگیرند - حتی در اوقاتیکه مصروف تطبیق پروگرامهای امداد رسانی باشند - و یا اشاعه و پخش اطلاعات، مردم را از درگیری بیشتر منصرف ساخته و آنها را تشویق نمایند تا از مساعی ایکه برای جنگ صورت میگیرد، پشتیبانی نکنند.

**دریافت های مزید ومهم که بر نامه های كمك رسانی را متأثر میسازد**  
روشهای زیرین تدارك مواد امدای، که مردم را از درگیری دور نگه میدارد، در دو دریافتیکه توسط پروژه ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده، توضیح میگردد.

۱- هدف «یاری کردن مردم برای دوری از برخورد» معمولاً نسبت به «ارتقای مصالحه» و یا «ایجاد صلح» سهل تر است. وقتی ما طرقي را مورد بررسی قرار میدهیم که به سرایت جنگ در همه عرصه های زندگی منجر میشود و هر کسی تجارب مستقیم دشمنی های جانب مقابل را دارد، تعجب آور نیست که مردم تصور مصالحه را با دشمنان رویا روی مشکل ببابند. مردمیکه درجنگ قرار داشته و یا به تازه گی در حالت جنگی قرار گرفته اند اکثراً طرف مقابل را شایسته اعتماد نمی دانند.

بنابر این، حتی مردمانیکه در مخالفت با «جنگ» هستند، شاید تاهنوز قادر نباشند که همکاری کامل بین دو گروپ را استقبال و یا تصور نمایند. گرچه

مصلحه شاید در واقعیت امکان پذیر و قریب الوقوع باشد، با این هم برای «اجنبی» که امداد و مساعدت میرساند، مناسب نیست تا مصلحه و یا صلح «نیم بند» (از نظر آنهاییکه متحمل رنج و درد شده اند) را ارتقاء دهد. وقتی اجنبی تقاضا میکند که مصلحه صورت بگیرد، چنین به نظر میرسد که وی عمق احساسات کسانیرا که در جنگ بوده اند نادیده گرفته است چنین به نظر میرسد که اجنبی آنها را به مصلحه هدایت کرده و از آنها می خواهد تا جنگ هائی را که مردم ادامه داده و آن را غیر قابل حل، فراموش ناشدنی و نابخشودنی میدانند فراموش و یکدیگر را عفو کنند.

از جانب دیگر، تجارب نشان میدهد که بسیاری مردم ساحات جنگ، از فرصت هائی استقبال میکنند تا عقب نشینی نمایند. از عملیات، روش ها و پروسه های جنگی عقب بروند. در چنین حالت باید امداد به طرقی صورت گیرد تا اجتناب از جنگ را بدون نیاز به آمادگی مردم برای مصلحه کامل تقویت و تشویق کند.

## ۲- (در ساحات جنگی زبان صلح جانب دار پنداشته می شود:)

در نواحی جنگ، زبان به صفت وسیلهء تفافهم وعدم تفاهم درخور اهمیت نهایی است. مردمانیکه در جنگ متحمل رنج و الم شده اند خیلی حساس بوده و مصمم اند که اجنبیان باید تمام آنچه را بالای شان گذشته و می گذرد کاملاً درک کنند. کسانیرا که «اجنبیان» برای توضیح مقاصد برنامهء شان بکار می گیرند میتواند شك و بدگمانی ها و در نتیجه تمایلات به طرف تشنج را بدتر و یا کمتر سازد.

توضیح مطلب: بعضی اوقات مردمانیکه مخالف با ادامه جنگ و نزاع اند، متذکر میشوند که صحبت در مورد طرفداری از «صلح» در آینده مصئون تر است تا اینکه در «ضدیت با جنگ» ابراز نظر شود. آنها توضیح میدهند که در تئوری همه طرفدار صلح اند، ولی مخالفت با جنگ معنی ضدیت با جنگ جاری را میرساند، خاصتاً علیه گروپیکه خود را در جنگ برحق می داند. (قسمیکه در بالا

تذکر رفت) چنین شخص مجرم، خاین وقابل مجازات دانسته میشود. در سایر حالات، مردمان محل گزارش میدهند که آنها حتی نمیتوانند از صلح حمایت کنند، زیرا عمق احساسات به پیمانه ایست که هرکس ناگزیر به حمایت از روحیه جنگ طلبانه است.

روی این ملاحظه، تدارك کنندگان مواد امدادی در نواحی وساحات جنگ متوجه این وضع نهایت حساس بوده در تعبیر و تفسیر اصطلاحاتی که برای توضیح پروگرامهای شان بکار میبرند، محتاط باشند.

## **هوشدار احتیاطی و متقابلاً دریافت شده در رابطه با ظرفیت**

### **های محلی:**

قبل ازینکه به پیش رویم یکی ازین هوشدارها از قبل قابل پذیرش بوده است. در فعالیت های اخیر پیرامون ارتباط بین کمک های عاجل رفاهی و کمک های طویل المدت انکشافی واثرات چنین کمک ها، نکته بارزی آموخته شده که: شناسائی وحمایت از ظرفیت های موجود محلی همیشه در خور اهمیت است. (۸)

باآنها، تجربه امدادگران در نواحی متشنج و پر از زد و خورد، درك واقعیت بنیادی، شناسایی و حمایت از ظرفیت های محلی را پیچیده میسازد. تجربه نشان میدهد که در چنین نواحی که تصامیم برای اعطای کمک توسط «اجنبیان» گرفته میشود، میتواند منجر به تشدید رقابت، ستیزه جویی وخصومت در بین گروپ ها گردد. هرگاه برای تحویل دهی مواد بدون تحلیل دقیق که چه کسی از آن بهره مند خواهد شد و کی متضرر، بالای بزرگان محلی (بمثابه ظرفیت های محلی برای صلح) تکیه شود، این امر باعث خواهد شد که يك گروپ كنترول خود را بالای گروپ های دیگر تحکیم بخشد و سبب شدت تشنج و وخامت وضع گردد.

تکانهنده ترین داستان چنین اثرات منفی از گوما، زائیر است. جائیکه ادارات کمک دهنده برای سیستم توزیع مواد امدادی در کمپ های تازه بنا یافته برای مهاجرین رواندایی، بالای «بزرگان محلی» اتکاء کردند. بعداً معلوم شد که

این «بزرگان» ملیشیا‌های هوتو بودند که از مواد غذایی امدادی برای تحکیم قدرت خود بالای مهاجرین و به منظور «گروگان گیری شان» در کمپ ها استفاده نموده و قدرت خود را تحکیم میبخشند.

یادداشت هوشدار دهنده، درچنین حالات اینست که تدارك کنندگان مواد امدادی باید دقیقاً از موجودیت روابط قدرت داخلی آگاه باشند، حتی زمانیکه درصدد اند تا غرض طرح برنامهء عرضه کمک به منظور حمایت از ظرفیت های محلی طرقي را جستجو نمایند. تدارك کنندگان کمک به این امر مهم توجه کنند که همه ظرفیت های موجود محلی را حمایت نه نمایند بلکه آنها را که به صفت نخستین ظرفیت های موجود محلی برای صلح شناسایی کرده اند کمک نموده و پروگرام های خود را به خاطر تقویت این گروپ سمت بدهند.

(

## فصل هفتم

### مثالهایی از اثرات مثبت امداد: یاری رسانیدن به مردم محل برای ترک جنگ

سه روش وجود دارد که با کاربرد آنها، عرضه کمک شاید مردم محل را که خواهان دوری از جنگ هستند، کمک نماید:

- ۱- مهیاساختن محیط امن ۲- مهیاساختن شرایط مصئون برای ابراز نظر
- ۳- تهیه منابع تشویقی. در اینجا مثالهای این سه روش را که از يك سلسله تجارب از ساحات متعدد جنگ بدست آمده است، تقدیم میکنم.

#### مهیاساختن محیط امن برای فعالیت های غیرجنگی

«هدف امداد گران: سازماندهی پروگرام امداد به نحوی که مردم به منظور انجام فعالیت های غیر جنگی به محیط امن دست یابند.

«معضله: در حالات و شرایط جنگ های داخلی، حتی برای اهالی ملکی اکثراً ناممکن است تا از جنگی که در ماحول شان اتفاق افتاده و در همه شئون زندگی و فضای کار شان نفوذ کرده، خود را وارهانند.

۱- در بعضی از نواحی درگیر جنگ، ادارات غیر حکومتی با استخدام افراد محلی از همه جناحهای درگیر جنگ توانستند بین آنان ارتباط عادی برقرار سازند. گرچه بعضاً خود اداره در ارتباط به اینکه هر کارمند از کدام نژاد است، حساس بوده و آگاهانه مردم را از همه جناحها استخدام میکند، اما هیچگونه تذکر صریح درین مورد به عمل نمی آید، بخاطریکه کارمند خود را «مجبور» به کار مشترک با طرف دیگر نساخته باشد. در این گونه حالات و اوضاع «پیام» اداره در نهایت صراحت اینست که برای رسیدن به اهداف مشترک، مردم باهم یکجا کار میکنند.

در بعضی حالات و اوضاع جنگی، عدهء از ادارات به این نتیجه رسیده اند که صراحت با واقعیتیکه آنها مردم را از همه جناحهای درگیر جنگ استخدام می کنند، امر حتمی است. آنها می گویند. اعلان همچو وظایف باعث تشویق مردم می گردد تا از جنگ دست بکشند و در بعضی حالات دیگر، عده ئی از ادارات به این نتیجه رسیده اند که استخدام آشکار افراد مربوط به يك جناح جنگ، همچنان میتواند تعهد مهم «غیر جنگ» را تفهیم نماید. مثال این کار يك اداره غیر حکومتی کروشایی است که به اعمار منازل کروات ها و بوسنیایی ها که در جنگ تخریب گردیده بود، پرداخت. سازمان دهندگان این اداره، این امر نهایت مهم را احساس کردند که خود را کروات هایی معرفی کنند که در انظار عامه و با اتفاق به نمایندگی از بوسنیائی ها و کروات ها کار می نمایند.

به همه حال، در تمام این حالات، عملکرد ادارات غیر حکومتی زمینه ساز محیط امن برای مردم میگردد تا مصروف فعالیتهای غیر جنگی گردند.

۲- در عدهء از ساحات جنگ زده، موسسات داوطلب، برنامه های شانرا طوری طرح میکنند تا سود برندگان شامل همه جوانب درگیر باشند. يك هوشدار را باید درین جا تذکر داد. ادارات اکثراً ادعا میکنند که «برای مصالحه برنامه ریزی



می نمایند» در واقع آنها «يك نوع كمك» را به مردم همه جوانب درگیر جنگ پیشکش می نمایند ولی گروه ها هیچگاه همکاری نمی کنند. چنین كمك ها اکثراً بجای تخفیف موجب تشدید تشنجات می گردد زیرا هر يك از جوانب آگاهی دارد که اداره با مردم طرف مقابل به منظور رقابت برای معامله امتیازی کار می کند. ادارات بخاطر اثبات این امر که آنها در بین جوانب، واقعاً منصفانه عمل می کنند، در مذاکرات طولانی درگیر میشوند.

تجربه نشان میدهد کوشش هائیکه بخاطر یکجا ساختن مردم در فعالیت های پروژه صورت می گیرد، همیشه بهترین راه برای تشویق رهایی مردم از جنگ نیست. بعضی اوقات فعالیت های مجرد ولی بهم مرتبط - چون ایجاد دستگاه های تولید پشم و گلیم که در فصل پنجم تذکر داده شد - طرق بهتری را به میان می آورد تا مردم با استفاده از آنها، بدون تماس مستقیم، وابستگی به یکدیگر را بپذیرند.

۳- در شابیلائی سفلی واقع در سومالیا، يك موسسه امدادی مساعی خود را به پاك كاری سیستم آبیاری بی متمرکز ساخت که تمام دهاقین به آن وابسته بودند. بعداً ادارهء متذکره برای جلب مردم محل در کار این پروژه عمده صرف مساعی نمود. این تمرکز مساعی، مردم را یاری رسانید تا از مخالفت ها و نا باوری ها دست کشیده و از خستگی و احساس تردید ناشی از جنگ خود را رهایی بخشند. همکاری مشترك در کاریکه تغییری در آیندهء شان آورد، مردم را قادر ساخت تا روش های محرك جنگ را به فراموشی بسپارند و باروش های «غیرجنگ» پیوندند.

۴- در یوگوسلاوی سابق، يك موسسه داوطلب، سلسله ای از فعالیت های فرهنگی را انکشاف داد که در آنها مردم طرفهای مختلف درگیر جنگ، جلب شدند. این فعالیت ها مشتمل بود بر ایجاد ژورنال ادبی و علمی، يك آرکستر سمفونی و يك تیم ترانهء اطفال. مردم آن جامعه که به فرهنگ قبل از جنگ افتخار

میکردند، از فرصتی که برای ثبات وضع نورمال و تداوم فرهنگ قبلی شان، دست داده بود، استقبال نموده و از خشونت که سبب تجرید کامل بین مسلمانها، کرواتها و صربی ها میشد، دوری جستند. همه گروهها درین فعالیت ها سهیم شدند.

۵- در جریان يك آرامش و در حالیکه سرائیوو در محاصره قرار داشت، اداره کمک های انکشافی خارجی برتانیه (O.D.A) مصارف جریان مجدد برق آن شهر را تأمین نمود. طوریکه یکی از مشاورین ادارهء متذکره بخاطر می آورد: سیستم تولید برق در يك بخش شهر و ترانسفارمرها در بخش دیگر شهر موقعیت داشت. به منظور فعال نگهداشتن سیستم، افراد هردو جناح باید مشترکاً کار میکردند. با حمایت ODA، کارمندان سابقه شرکت برق که طی سالیان متمادی باهم همکار بوده و از اثر جنگ ازهم دور شده بودند در اولین مجلس که روی جزئیات فعال ساختن دستگاه متمرکز بود، شرکت جستند. زمانی که شروع به کار کردند، دیگر در مورد حال و احوال اعضای خانواده های شان یا تجارب جنگی سوالی مطرح نگردید. آنها دانسته بودند که همچو موضوعات منجر به يك سلسله مسایلی خواهد شد که آنها را از هم دور ساخته بود. آنها ترجیح دادند تا مستقیماً بکار تخنیک پیروزانند. آنها تعهد شانرا به يك آیندهء بدون تفرقه و با خاطر آسوده، بدون صحبت در مورد مسایل ناشی از جنگ و مقابل شدن باهم، تبارز دادند.

### شرایط مصئون برای ابراز نظر در مورد صلح

«هدف موسسات خیریه: تطبیق برنامهء امدادی برای مردم که وضع را طوری مساعد سازد تا آنها بتوانند که نارضایتی شان را از جنگ و توقعات شان را برای صلح ابراز نموده و به این ترتیب صحبت برای «صلح» را قانونیت مجدد بخشند.

«پروپولم: در جنگ های داخلی، فشار ها برای وفادار ماندن و همبستگی گروهی و قومی، مردم را به نحوی «خاموش» میسازد تا آنها نتوانند که در مورد جنگ

شك و تردید و علاقمندی شان را به صلح ابراز نمایند. علاوه‌ا، قسمیكه در فصل گذشته تذكر داده شد، در حالات جنگی به كارگیری زبان صلح میتواند خطراتی را در بر داشته باشد.

### «انتخاب طرق موثر:

۱- در یکی از شهرك های ویران شده از جنگ در كروشیا، زمانیكه ضدیث با جنگ نهایت پرمخاطره بود، گروهی به طبع و نشر يك خبرنامه كه با عنوان «صلح» مزین بود اقدام كردند. پس از گذشت چند هفته، آنها مردمی را مشاهده كردند كه سوار بر سرویس شهری بوده و بدون هراس خبرنامه را میخواندند. گرفتن خبرنامه و خوانش آن، به سادگی یکی از راههای ابراز مخالفت در برابر جنگ بود.

۲- در افغانستان نیز، در خلال جنگ با اتحاد شوروی، استعمال كلمه «صلح» نهایت خطرناك بود زیرا این جنگ، جنگ مقدس (جهاد) تلقی می شد. آنهاییكه درین مورد شك و تردید داشتند اكثراً به مرگ تهدید میشدند. پس از خروج اتحاد شوروی از افغانستان و فروپاشی آن، این جنگ به جنگ داخلی بین قوماندانان مبدل گشته و مردم همچنان از مخالفت علنی با جنگ در هراس باقیماندند.

در خلال این مدت یکی از ادارات غیر حكومتی كنفرانسی را برای مطالعه نقش «موسسات غیر حكومتی در اعمار صلح در افغانستان» دایر نمود (این اداره بوسیله یکی از مجاهدین قبلی كه احساس میکرد «جنگ دومی» جهاد نیست بخاطریكه مسلمانها علیه یكدیگر می جنگند، تشویق شد تا این كنفرانس را برگزار كند.) در آغاز بخاطریكه ترس از صلح وجود داشت، تعداد زیادی از موسسات از اشتراك در كنفرانس به وحشت افتاده بودند.

به عوض پنهان نگهداشتن كنفرانس وصحبت های شامل آن از اذهان عامه، طراحان، راپور مكمل و لست اشتراك كنندگان را با ذكر نام موسسه، طبع و نشر كردند، كه وسیله ای برای تشویق دیگران شد تا مسایل صلح را باید جدی بگیرند.

فایده دیگر این نشریه صراحتی بود که در آن انعکاس یافته بود. در حالیکه خفیه نگهداشتن جریانات کنفرانس باعث تشدید هراس و شک و تردید که دلیل بی میلی مردم در اشتراك در آن بود میگردید. وضاحت راپور همه آنچه را که در کنفرانس بوقوع پیوست برای مردم بر ملا ساخت و امکان افواهایی را که موفقیت کنفرانس را تخریب می کرد از بین برد. چند ماه پس از پخش راپور، سایر ادارات غیر حکومتی از موسسه تدویر کننده کنفرانس تقاضا کردند تا به کار خود برای ایجاد نقطه مرکزی به منظور کاوش نقش ادارات غیر حکومتی در اعمار صلح در افغانستان ادامه بدهد.

۳- در سریلانكا يك اداره كمك رسانی با تامیلی ها و سنهالی ها که در مناطق همجوار زندگی میکردند مذاکره کرد تا قسمت های از زمینی را که بین شان واقع است به «باغهای صلح» نام گذاری کنند. این اراضی بعداً به پارک های سبز و پر از گل و جاهانیکه مردم متیقن بودند که در آن برخورد و جنگ بوقوع نخواهد پیوست مبدل شد. نام گذاری صریح این مناطق همزیستی صلح آمیز بین دو گروه را قانونیت بخشید و محیط امن و زمینه برای اظهار نظر در رابطه با فعالیت های «غیر جنگی» را مهیا ساخت.

۴- در بیت المقدس، زنان فلسطینی و اسرائیلی مشترکاً «حلقه اتصال بیت المقدس» یعنی اداره هم آهنگی را بین دو مرکز مستقل زنان ایجاد کردند که یکی آن در شرق و دیگری درغرب بیت المقدس موقعیت داشت. (به همین ترتیب اداره تمویل کننده نیز اهمیت «فضا و مکان مصئون» را درك کرده و در قدم نخست دو گروه زنان را در يك شهر اروپائی - دور از ساحه جنگ که تماس های بین شان را تحت تاثیر قرار میداد - دور هم جمع کرد.) هدف این حلقه اتصال «ارتقای فعالیت های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زعامت در خدمت گزاری برای تحقق بخشیدن صلح بر بنیاد عدالت و مساوات» بود. و این حلقه بمثابة «بخشی از پروسه آموزشی برای کار مشترك و انكشاف همکاری در امتداد خطوط ملی و فرهنگی» درك گردید.

۵- در احمد آباد، هند يك اداره غير حكومتی كوچك كه كمك های بشر دوستانه را برای آنهاييكه از اثر سيلاب ها بی خانمان و در يك محله فقير نشين مسكن گزين شده بودند ميرسانيد، دريافت كه فعاليت اين اداره از اثر اختلافات و خشونت های مذهبی میان هندوها و مسلمانها مختل گرديده است. در پهلوی کار مداوم ضد فقر، اين اداره به ابتكار برنامه هائی پرداخت تا اين خشونت ها را دفع کند، کارمندان اداره، مردمان محل را در امر تاسيس «کميته های صلح» ياری رسانيدند. وظيفه اين کميته ها اقدام در برابر تشنج های اوج گيرنده و دفع افواهای بود كه اکثراً به خشونت ها منجر ميشد. اين کميته ها جوانان با استعداد را دورهم جمع کرده و شروع به تدوير «نمايشات روی جاده» نمود كه از طريق آن، هنرمندان هم وسيله سرگرمی مردم را فراهم می ساختند وهم مردمان محل را تعليم می دادند كه چگونه منافع اجنبی ها با جنگ بين دو فرقه مذهبی مسكون در محله، تأمين ميشود (ملاك و سياستمداران با استفاده از خوف و هراس ناشی از برخورد، مردم آن محل را مجبور به فرار كردند تا بتوانند آن جا را به منظور منافع شخصی - مجدداً تصاحب نمايند.) همه ساله اداره كمك دهنده جشنی را با پیام يكدلی و توافق سازمان ميداد. سرودی با آهنگ دلپذير و پیام يكدلی نوشته شد؛ كلمات اين سرود روی خريطه های پلاستيکی نقش گرديد و به هر آنكه درين جشنواره اشتراك می نمود، داده ميشد؛ اين سرود در بيشتر حصص منطقه محبوبيت پيدا کرده و در فعاليت های روزمره توسط اكثر مردم زمزمه ميگرديد.

۶- پس از قتل عام در رواندا، اكثر مردم در هراس شدند كه مبدا چنين حالتی در بروندی اتفاق افتد. يك اداره امداد رسانی، مردمان هوتو- و توتسی را دورهم جمع كرد كه ماه ها برای تشخيص پیام ها و وجيزه هایی كه همكاری بين گروپ ها را تأمين ميكرد و در سراسر محلات مورد استفاده مردم قرار داشت، مشتركاً باهم كار كردند. در قدم اول آنها از مجموع اين پیامها و وجيزه ها نمايشنامه نئی ساخته و به محلات دور دست و روستایی به منظور اجرای نمايشات،

سفر هائی را انجام دادند. از طریق برگزاری نمایشات از پیام ها و وجیزه های آشنا به نحوی استفاده شد تا مردم راجع به خطرات جنگ بین گروه ها فکر کرده و همچنان باعث شد که مردم خونسردی خود را در برابر کوشش هائیکه آنها را به خشونت وامیداشت حفظ نمایند.

مساعی مستقیماً با واقعیتی ارتباط داشت که بعضی ها مخاصمات گروهی را به نفع خویش دامن میزدند این کوشش ها مردم را تشویق کرد تا واقعیت تاریخ مشترک و همزیستی باهمی خود را متناسباً با تاریخچه خشونت مقایسه نمایند. این امر مردم را یاری رسانید تا با استفاده از فرهنگ و اصطلاحات فرهنگی خود بجای جنگ راه صلح را ادامه دهند.

۷- در لبنان در اوج جنگ مکاتب تعطیل گردید و شاگردان ساعت ها را در پناه گاه ها سپری کردند. اداره ای که خدمات صحی و تعلیمی را برای اطفال انجام میداد - احساس کرد که باید شاگردان تشویق کند تا حتی تحت شرایط ناگوار به تعلیم و بازی ادامه دهند. روی این ملاحظه آنها به طبع مجله اطفال زیر عنوان «باهم» آغاز نموده و شماره های این مجله از طریق کلینیک های صحی در سرتاسر کشور توزیع گردید. صفحات این مجله با سوالات ریاضی، هجای کلمات دروس، بازی ها، معما ها و یک قصه درباره جنگ و برخورد که به شکل نامکمل نوشته شده بود، مزین میگردید. قصه جنگ همیشه درین مجله جای خود را داشت و از اطفال تقاضا میشد تا قصه را خود شان تکمیل کنند. به همین ترتیب صفحات وسطی مجله سفید گذاشته شده بود تا اطفال بتوانند مدت زمانی را که در پناهگاه سپری میکنند، به کشیدن رسم ها و نوشتن قصه ها بپردازند. سازمان دهندگان مجله از اطفال دعوت کردند تا قصه های تکمیل شده، تصاویر و نوشته های شانرا به دفتر مجله بفرستند.

بزودی یک طفل پیشنهادی بدین شرح به دفتر مجله فرستاد که باید همه خوانندگان مجله یک پیمان صلح را امضاء کنند. در مدت چند هفته محدود، ناشران مجله زیر انباری ازین گونه پیمان غرق شدند و در شماره های بعدی آنها را

به نشر سپردند. بعد يك طفل پیشنهاد کرد که والدین اطفال نیز باید چنین پیمانی را امضاء کنند و نامه ها به نشر رسید. از مفکوره طبع چنین نوع مجله اطفال در گرجستان در خلال جنگ نیز اقتباس گردید.

### **تهیه منابع تشویقی به منظور دوری از جنگ**

- « هدف تدارک کنندگان مواد امدادی: طرح و تطبیق پروگرامهای کمکی که باعث تشویق مردم در دوری از جنگ و عدم حمایت از خشونت گردد.
- « معضله: عوامل زیادی در جوامع در حال جنگ، قبولی جنگ را ناگزیر میسازد بناء اکثریت مردم آنرا پذیرفته و منتظر می مانند تا جنگ ختم شود.
- « انتخاب طرق موثر:

۱- در کمبودیا، تاجکستان و امریکای مرکزی پس از جنگ، سازمان ملل متحد به ابتکار پروژه های سریع الاثر دست زد تا جمعیت های محلی را در جذب عودت کنندگان قسمی کمک رساند که بالای منابع محدود شان فشار اضافی وارد نشود. این مساعدت پولی به منظور کمک به مردم، درکار و مساعی مشترک در جوامع شان (چون اعمار مکاتب یا کلینیک ها و یا اصلاح سیستم آب) صورت میگرفت تا مردم را قادر سازد که بر بی اعتمادی های باقیمانده و برخورد خشونت بار بین آنهاستیکه در خلال جنگ به اطراف و اکناف کشور رفته بودند و آنهاستیکه به حیث مهاجر فرار کرده بودند، فایق آیند. در کمبودیا برای تمویل پروژه های سریع الاثر توجه خاص مبذول داشتند. جائیکه پیشنهاد مشترکی به همکاری مردمان ساکن و عودت کنندگان ارایه گردد. همچو پیشنهادات سریعاً تمویل و مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۲- بعضی از ادارات امداد کننده در کشور های پس از جنگ، برنامه های اعطای قروض محدود را برای مردمیکه بخواهند در گروپ قرضه گیرندگان شامل

شوند و قروض یکدیگر را تضمین کنند، روی دست گرفته اند - چنین پروگرام های قرضهء کوپراتیف، این امر را حتمی میسازد که موفقیت اشخاص انفرادی به هم مرتبط است، همه کس سود می برد و باید هرکس سود ببرد. چنانکه دریافت شده این روش مزیت دیگری هم دارد آن اینکه اندازهء باز پرداخت بیشتر را نسبت به آنچه که میتوان از برنامه های قرضه انفرادی به شکل نورمال توقع برد تضمین میکند.

۳- بعضی از منابع تشویقی برای دوری از جنگ، غیر مادی است؛ بطور مثال در کمبودیا درست اندکی پس از جنگ، افواهایی در محلات کشور پخش گردید. مردمان روستا را پور دادند که آنها اکثراً شنیدند که جنگ مجدداً آغاز یافته و انتخابات فسخ گردیده است. رادیوی سراسری محل که مصارف آنرا ادارهء ملل متحد می پرداخت با نشرات خود توانست با افواهاست مقابله کرده به مردم اطمینان دهد که انتخابات هنوز جریان دارد. مردمانیکه از اطلاعات موثق برخوردار بودند به کار اعمار مجدد قریه جات شان پرداختند. میزان تشنج ویی باوری و تردید کاهش یافت. ظاهراً بعضی از عساکر خمرهای سرخ که همین نشرات را شنیده بودند، سرانجام تصمیم گرفتند که خدمت سربازی را ترك نموده به زندگی ملکی برگردند، زیرا انتخابات در حال پیشرفت به نظر می رسید.

درکنار فرصت های موجود برای صلح که در جوامع درگیر جنگ وجود دارد، رزمندگان بی علاقه به جنگ هم موجود اند که در انتظار فرصت یا مشوقی می باشند تا خود را از معرکه کنار بکشند. وجود چنین روحیه ئی که در میان افراد درگیر جنگ، فرصت هائی را برای صلح فراهم ساخته و به کارمندان موسسات داوطلب امکانات طرح و عملی نمودن برنامه های کاری را طوری فراهم می سازد که امداد شان بتواند در جهت استقرار صلح مفید و مثبت ثابت گردد.

جنگ در مناطق مسکونی و شهرها موجب گیر افتادن اکثریت ساکنان این مناطق در منطقه جنگی می شود. چنین مردمی هرچند از جنگی که در آن درگیر اند



نفرت دارند ولی خاموشانه در اعمال روش ها و طرز دیدی که جنگ بالای شان تحمیل نموده سهیم می شوند. سکوت و مشارکت در اعمال و کردار گروه مسلحی که در منطقه، شان مسلط است برای ادامه حیات شان ضروری است.

وقتی وابستگی های قومی، نژادی، گروهی ویا زبانی معیار شناخت و اعتماد بریکدیگر باشد درین صورت صحبت کردن ویا عمل کردن علیه این یا آن گروه خالی از خطر نیست و اگر کسانی جرئت کنند تا حقانیت و مشروعیت چنین جنگی را زیر سوال ببرند، این عمل شان خیانت تلقی شده نه تنها تحقیر و توهین شده اند بلکه در مواردی بدست افراد هم ملیت خود به قتل رسیده اند.

۴- در اکثر کشورهای در حال جنگ بعضی از جنگجویان وقتی از طریق منابع آزاد و غیروابسته از اعمال گروهی که به آن وابسته بودند اطلاع حاصل کردند از حمایت آن گروه دست کشیدند بطور مثال یک زن سریلانکائی وقتی از بیرحمی سربازان دولتی علیه قریه های تأمیل نشین از طریق یک منبع بیطرف آگاهی حاصل کرد گفت که «جنگ برای من تهوع آور است». این احساس وی که قبلاً فقط تأمیلی ها را سنگدل و بیرحم میدانست بوسیله اطلاعات منابع بیطرف اصلاح شد. در ایالات متحده اکثر اتباع آن کشور وقتی فهمیدند که در قتل عام مای لای قشون امریکایی سهم گرفته بود، در مورد پشتیبانی از جنگ ویتنام تجدید نظر نمودند. در اسرائیل اکثر خانواده ها وقتی از واقعیت اشغال ساحل غربی و غزه در جریان انتفاضه توسط اسرائیل از طریق گزارش های فرزندان شان که به وظایف نظامی در ساحل غربی و غزه توظیف شده بودند، آگاه گردیدند تذکر دادند که جستجوی راههای صلح با فلسطینی ها را به شکل جدی شروع نمودند. وقتی مردم نقش جناح و گروه وابسته خود را در جنگ غیر انسانی می بینند، در آنها انگیزه، عدم حمایت از جنگ بوجود میآید. ادارات غیر حکومتی و سایر ادارات امداد رسانی ممکن است اطلاعات منصفانه و موثق را تهیه کنند تا چنین خود گرائی (به خود متوجه شدن) و قطع علاقه با تبلیغ بخاطر تشدید جنگ را که معمولاً در چنین حالات مستولی می باشد، ایجاد کند.

۵- در تاجکستان وقتی حکومت در جلسات هفته وار کابینه در شهر دوشنبه برنیاد راپورهای غیرموثق از قسمت جنوبی کشور، تصامیمی اتخاذ میکرد، یکتن ازمسویین یکی از ادارات بین المللی کمک رسانی توفیق یافت از وزیر کابینه دعوت کند تاوی را در سفری همراهی کرده و «باچشم سر» اوضاع ناحیه جنگ زده را ببیند. وقتی وزیر موصوف از آن ناحیه بازدید کرد توانست حکومت خود را در پیروی از پالیسی هائیکه تشنج بین گروپ ها را تخفیف بخشد، کمک نماید.

۶- در گواتیمالا، اکثر ادارات امداد کننده وقتی با گروپهای دهاقین کار میکردند، ازینکه مبادا با برخورد مستقیم اردو مقابل گردند، از انجام کارهائیکه جلب توجه میکرد، خود داری نمودند. کارمند يك موسسه بین المللی امداد رسانی وقتی همکار گواتیمالایی اش در يك مارکیت در یکی از روزهای شنبه «مفقود» گردید، تصمیم گرفت تا روش دیگری را در پیش گیرد. وی تصمیم گرفت به کار خود با پخش اطلاعات باز در مورد اهداف و پروگرامهای اداره اش، ادامه دهد. موصوف نمایش سلاید و مواد تحریری را آماده نموده به تدویر نمایشات عامه در کلیساها، بین گروپ های ملکی (چون کلوپ کیوانیس)، و «هرکسیکه مرا فهرست خواهد کرد.» آغاز نمود. وی بعداً با قوماندانهای اردو متصل گردید و از پایگاه های شان به منظور توضیح برنامه های اداره خود بازدید به عمل آورد. آنچه وی آشکار و بی پرده تقدیم کرد، آشتی آور بود. وقتی وی در مورد اینکه کارمندانش چگونه با دهاقین قراء در تاسیس سیستم های آبیاری ویا در سایر ساختمانهای محل کمک کردند، توضیحات میداد و همچنان اینکه افراد نظامی چگونه وبه اذیت و آزار، اختطاف وحتى کشتار مردانیکه سن اشتراك در جنگ را داشتند، به همان قریه می آمدند توضیحات میداد. در جریان صحبت وی لا اقل یکی از قوماندانان اردو اعتراف کرد که دیده میشود چرا حکومت از حمایت مردم قراء و قصبات بر خوردار نیست. ادارهء امداد رسانی قادر شد تا به کار خود بدون مداخله اردو و بدون تهدید بیشتر به کارمندان آن اداره و قرائیکه آنها مصروف بودند، ادامه دهد.

همانطوریکه در فصل پنجم به مثالها و طریقه اثرات منفی امداد را محدود میکرد اشاره گردید، درین فصل نیز مثالهای که منعکس کننده واقعیت های مشخص محل میباشد گنجانیده شده است. این مفکوره ها در پیوند با زمان و مکان نتیجه داد، زیرا مفکوره ها تابع حالتیست که امکان و یا عدم امکان را میسر میسازد. روی این ملحوظ هیچ يك از مثالهایی که درین جا داده شده در همه جا قابل تطبیق نخواهد بود. کارمندان موسسات امداد رسانی حین انتخاب راهای موثر بخاطر برنامه ریزی امداد شان باید همیشه واقعیت های حالتی را که در آن قرار دارند درنظر بگیرند مگر واقعیت اینست که طرق دیگری نیز وجود دارد. شاید امداد در کشورهای درحال جنگ به طرقی تدارك شود که برخورد ها را بدتر و یا از رساندن ضرر اضافی جلوگیری نماید. امداد در کشور های در حال جنگ شاید به نحوی تهیه شود که ابتکارات محلی و تمایل به صلح را نادیده بگیرد و یا برعکس ازین امر حمایت کرده زمینه ایجاد منابع تشویقی را برای مردم محل فراهم کند تا آنها از جنگی که درگیر اند کنار بروند.

در فصل های آینده ما به آنچه که آموخته شده برگشته و خواهیم دید که کارمندان امداد رسانی چه چیز را باید حین انتخاب راه های موثر درنظر بگیرند و چگونه میتوانند طرق مختلف را به منظور انتخاب بهترین راه ارزیابی کنند.

## فصل هشتم

### حالات پیچیده و مغلق:

### تهیه کننده مواد امدادی چه نیروی را ممکن است داشته باشد؟

کارمندان بخش امداد رسانی میگویند «جنگ همه مساعی ما را تحت تاثیر قرار میدهد.» «باموجودیت این حکومت نمی توانیم کاری انجام دهیم.» حتی اگر اداره من کار درستی انجام بدهد، سایر موسسات غیر حکومتی (یا ادارات مربوط ملل متحد یا سیاست های بانک جهانی) کارهایی میکنند که فعالیت ما را کاملاً تضعیف می نمایند.» «این مردم به شکل عنعنوی در زد و خورد درگیر هستند، آنها به سادگی تغییر نخواهند یافت.» «طراحان پالیسی در ادارهء ما نمیدانند؛ آنها ما را وادار به انجام کار به نحوی که باید بسازند نمی سازند.»

### من چه مؤثریتی میتوانم داشته باشم؟

تدارک امداد در ساحات جنگ چلنج هایی را پیش میکشد. موسسات خیریه و کارمندان شان صرفاً نقش کوچکی در سلسله حادثاتی که آشکار سازی جنگ را تعیین می نماید، بازی میکنند.

درین فصل آنچه را از مثالهایی راجع به موثریت يك كارمند امداد رسانی و یا يك اداره مشخص امدادی در محیط پیچیده، يك جنگ داخلی، آموخته ایم، ارزیابی مینمائیم. درین جا به يك سلسله عوامل دريك محیط جنگی عطف توجه خواهیم کرد: در اینکه يك امدادگر چگونه میتواند از رساندن ضرر اجتناب ورزیده و یا تغییر مثبتی را بمیان آورد، این عوامل میتوانند خیلی ها مهم باشند.

شکل پائین عواملی را نشان میدهد که زمینه تدارك امداد را شکل می بخشد. کارمندان موسسات خیریه در مرکز قرار دارند و اطراف شان را عواملی احاطه نموده که امداد گران صرفاً تاثیر محدودی بالای آنها دارند.

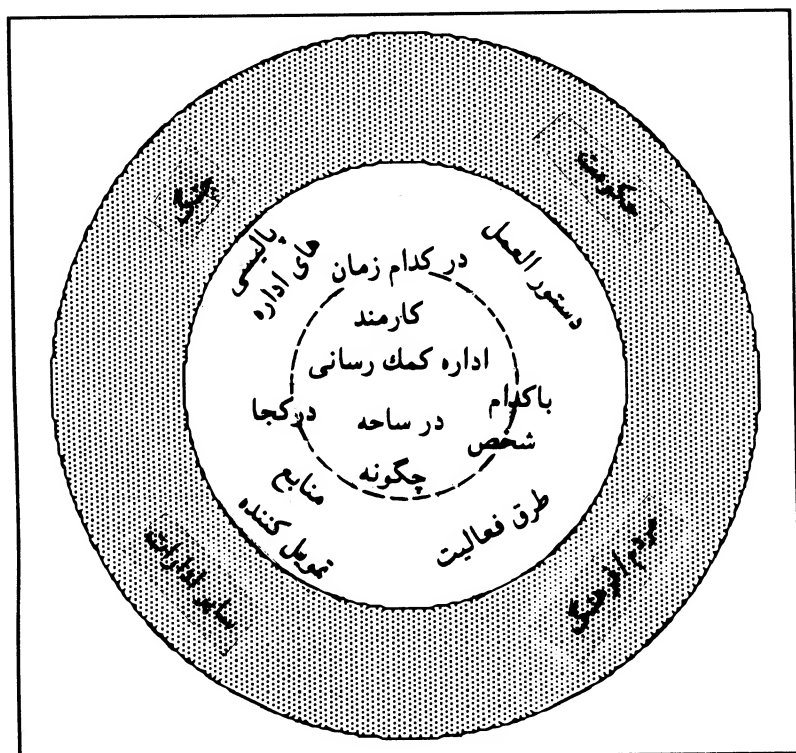
دایره بیرونی از ساحه وسیعی نمایندگی میکند که در آن چهار عامل «مشخص» قرار داشته و خارج از محدوده کنترل کارمندان موسسات است. این عوامل عبارتند از: ۱- جنگ بخودی خود ۲- سیستم حکومت (یا عدم آن) ۳- موجودیت سایر ادارات موسسات که در همان ساحه فعالیت دارند و ۴- مردم و فرهنگ شان در منطقه ایکه يك موسسه خیریه کمک می رساند.

دایره وسطی هريك از ادارات مشخص کمک دهنده را نشان میدهد. دستورالعمل، پالیسی ها، منابع تمویل کننده و طرق کار همه عواملیست که قبلاً تعین گردیده و کارمن موظف به پیروی از آنها می باشد و در پرتو آن وظیفه خویش را به پیش میبرد. بآنها در مرور زمان کارمندان میتوانند بالای دستور العمل، پالیسی ها، منابع تمویل کننده و طرق فعالیت ادارات شان تاثیراتی وارد کنند. روی این ملاحظه دایره مرکزی و دایره وسطی با خطوط نقطه دار از هم جدا شده اند تا نشان دهد که فعالیت های دایره مرکزی میتواند در چگونگی اداره اثر وارد نماید.

در دایره مرکزی پرسونل ساحه که شامل يك گروه كوچك و یا اشخاص انفرادیست قرار دارند. آنهايکه با اتخاذ يك سلسله تصمیم برای پیشبرد پروگرام و تحویل دهی مواد امدادی به مشکل روبرو اند. تصمیمی که آنها باید بگیرند عبارتند از:

۱- در کجا باید فعالیت کرد. ۲- با کدام شخص باید کار کرد. ۳- با چی باید کار کرد. ۴- چگونه باید کار کرد.

سه مورد اول قبلاً توسط اداره تعین گردیده و آوردن تغییر در آن برای کارمند ساحه مشکلاتی را ایجاد می نماید. این سه مورد اکثراً شامل دستورالعمل، پالیسی ها و طرق فعالیت يك اداره بوده حیثیت احکامی را دارند که برنامه ها در کجا، در کدام زمان و با کدام اشخاص تطبیق شود. بآنهم، در همه حالات، کارمند ساحه دسترسی به يك سلسله راه های انتخابی دارد که چگونه پروگرام را طرح، سازماندهی و تطبیق نماید. درینجاست است که کارمند ساحه موثریت داشته و میتواند نقش مهمی بازی نماید. (۱۰)



در بقیه این فصل آنچه را که از مطالعه قضایا توسط پروژهء ظرفیت های محلی برای صلح بدست آمده توضیح میکنیم که چگونه عوامل مختلف در زمینه، بالای این احتمال اثر دارد که عملیه امداد اثرات منفی یا مثبت در جنگ خواهد داشت.

آنچه به این ارتباط بدست آمده تا حدی تعجب آور است. ما با این فرضیه آغاز کردیم که موارد مشخصی در رابطه با جنگ، حکومت وسایر مؤسسات موجود در منطقه میتوانند نقش تعیین کننده داشته باشند. این موارد میتوانند تغییر بسزائی را هم در موجودیت راه های انتخابی در سطح کارمند ساحوی موسسه امدادی وهم در احتمال اینکه کمک میتواند تاثیر مثبت ویا منفی در رابطه با جنگ داشته باشد. آنچه را دریافتیم این بود که يك تعداد از این عوامل واقعاً احتمال اثرات منفی را تحت نفوذ قرار داده ونقش آنها را بر اثرات مثبت محدود ساخته است.

## جنگ:

فرضیه بر آن بود که مواردی در باره جنگ وجود دارد که احتمالات را برای مردم بیشتر ویا کمتر می سازد تا آنها قادر شوند ویا بخواهند تا از جنگ کنار بروند. ما فرض کردیم که همین عوامل، امکانات اثرات منفی را هم از نقطه نظر انتقال منابع وهم از نقطه نظر پیامهای تلویحی اخلاقی تحت نفوذ قرار خواهد داد.

**تاثیر بالای اثرات مثبت:** ما فکر کردیم که حدود جغرافیایی ایکه جنگ در آنجا ها سرایت کرده شاید مهم باشد. اگر جنگ همه قسمت های يك کشور را فرا بگیرد در آنصورت همه مستقیماً آسیب می بینند و تخریبات همه گیر میباشد، این امر زمینه را برای مردم مشکلتر میسازد تا از زد و خورد دست بکشند. یا اگر جنگ برای مدت طولانی دوام نگیرد، تخریبات کامل صورت نمیگیرد و نفرت و بدبینی از نسل به نسل انتقال میکند، این امر شاید عدم درگیری را مشکل سازد.

بأنهم شواهد حاصله از مطالعه قضایا نشان میدهد که این عوامل ظاهراً تفاوتی را در تمایل مردم به دوری از جنگ پیمان نمی آورد. از جنگ طولانی در لبنان تا جنگ کوتاه مدت در تاجکستان اکثر مردم اشتیاق به دوری از جنگ را دارند. از جنگ کوتاه مدت در راوندا تا جنگ درازمدت در سریلانکا، به نظر میرسد که اکثر مردم در کنار رفتن از جنگ با مشکلاتی رو برو هستند. به همین ترتیب نمونه های دوری از جنگ درین کشورها هیچگونه ارتباطی را بین جنگ و وسعت جغرافیائی آن نشان نمیدهد در حقیقت همه مردم در لبنان و راوندا از اثر جنگ متأثر شده اند یا در تاجکستان و سریلانکا جنگ واقعی در مناطق مشخص متمرکز شده بود. علی الرغم آنچه گفته شد، يك مثال در همه کشورها ظهور کرد احتمال اینکه مردم در کناره گیری از جنگ تمایل نشان دهند در مراحل مختلف جنگ متفاوت است. روزهای اول جنگ، اکثر مردم «جنون» جنگ را که آنها را از دوستان و اعضای خانواده های شان تجرید میکند، تقبیح می نمایند. بآنهم هر قدر جنگ دوام میکند و بیشتر مردم ستم و بی رحمی را مستقیماً تجربه میکنند (چه به صفت قربانیان و چه به حیث عاملین) آنها بیشتر شخصاً و احساساً به جنگ متعهد میشوند. درین مرحله آنها اکثراً این احساس را تبارز میدهند که «ما هیچگاه نمیتوانیم دوباره باهم زیست نمایم»، و آنهائیکه اصلاً جنگ را رد کرده بودند معتقد شده اند که باید تا پیروزی بجنگند بخاطریکه اگر چنین نکنند معنی مطیع شدن به جانب مقابل را خواهد داد. معهذا بعد از گذشت زمان طولانی (بعضاً چندین سال و حتی نسل ها)، مردم «از جنگ خسته شده» و قضاوت میکنند که «هر عمل دیگر بهتر از جنگ است». درین مقطع آنها برای ساختن صلح حتی با از دست دادن بعضی پرنسپ ها که زمانی هیچگاه نمیتوانستند از آن صرف نظر نمایند موافقت می کنند.

**تاثیروات بالای اثوات منفی:** از جانب دیگر، وقتی جنگ ادامه مییابد و چنین به نظر میرسد که وحشت جنگ رو به افزایش است و احتمالاً از کمک های بشری شاید برای تشدید درگیری استفاده شود. همچنان موجودیت چندین گروه



درگیر جنگ تا اینکه صرفاً دو طرف درگیر باشد، استفاده منفی از امداد را تقویت می بخشد. بدون تعجب هر قدر بیهودگی و مظالم جنگ (اکثراً در پیوند با دوران، توسعه جنگ و تعدد گروهها) زیاد تر باشد، احتمال سرقت یا سایر استفاده ها از مواد امدادی برای حمایت از جنگ بیشتر خواهد بود و تدارک کنندگان کمک، آزادی محدود برای فعالیت های شان در بیرون از محدوده کنترل جنگجویان خواهند داشت.

## حکومت یا عدم آن:

امکان دارد که عواملی در موجودیت و عدم موجودیت سیستم های قدرت بالای این احتمال موثر باشد که مردم از جنگ دوری خواهند کرد و یا اختلاس و سوء استفاده از کمک های بشری بتواند جنگ را تقویت بخشد.

**تاثیرات بالای اثوات مثبت:** در مجموع، مطالعه قضایا نمایانگر این موضوع است که آنده مردم که در نهایت آماده کناره گیری از جنگ اند، آنهایی اند که کمترین حرمت را به زعامت موجود که جنگ را تشویق میکند قایل هستند. بآنهم قضایا همچنان نشان میدهند مردمیکه میخواهند رضاکارانه با ابراز مخالفت شان به جنگ، خطراتی را متقبل شوند، اکثر شان به «برگشت» قدرتی متعهد اند که بتوانند آنها را احترام کنند. در اکثر حالات آنهاییکه در جهت مخالف درگیری کار میکنند، همچنان برای باز سازی آنچه که آنها موسسات «دموکراتیک» نام داده اند فعالیت می نمایند. بدین مفهوم که آنها بین توانمندی «رهبران» در کشاندن مردم در عدم موجودیت ساختار های دموکراتیک اجتماعی همه گیر، ارتباطی را می بینند. روی این ملاحظه يك طریقه دوری شان از فعالیت های جنگ، مانند ارتقا دادن جامعه متشکل از افراد ملکی همه گیرست.

در اینصورت از دید تدارک کننده امداد، آمادگی برای گریز از درگیری شاید مستقیماً به ابراز نظر از طریق ارتقا دادن ساختارهای اجتماعی غیر نظامی است. درک این مطلب شاید تدارک کنندگان امداد را هنگام طرح و تطبیق برنامه های شان در شناخت مردم و شبکه هایی که مستحق حمایت اند کمک نماید. علاوه

در بعضی موارد، عدم موجودیت سیستم های قدرت و یا حکومت باعث آن گردیده تا مردم به صورت فعالانه چاره دیگری را که «ایجاد صلح» است بجویند. بطور مثال در خلال اوج جنگ در سومالیا، يك تعداد از قراء کشور، خود را به صفت «نواحی صلح» تبارز دادند. آنها برای حفاظت از سرحدات خویش منسجم گردیده و اجازه ندادند که در آنجا جنگ بوقوع بپیوندد هنگامیکه جنگ جویان جوان غرض تاراج یا سرپاز گیری درین قراء رسیدند، مردم آنها را اسیر کردند. این محلات برای مدت زمانی به حیث نواحی جدا شده قادر شدند تا با جنگ مخالفت کنند. باآنها گاهی که با خوف و خطر بزرگ رزمندگان نهایت مسلح روبرو می شدند قدرت کافی مقاومت در برابر تهاجم تمام عیار را نداشتند.

يك مثال مشابه وگویا از چچنیا نیز موجود است در اینجا هفت قریه برای ایجاد آنچه مردم محل «زون صلح» می نامند، باهم پیوستند. (۱۱) در تلاش دورماندن از جنگی که آنها را محاصره نموده بود باشندگان قراء با قوماندان قوت های روسی مذاکره و توافق کردند که روس ها اهالی قراء را مورد حمله قرار نخواهند داد اگر تعهد کنند که باشندگان قراء به ملیشیا ها پناه نمی دهند. باتاسف که قوماندان ها یکی بعد دیگر از منطقه تبدیل و بجای شان افراد دیگر گماشته شدند که توافقات قبلی را نادیده گرفتند. وقتی راکت های روسی در یکی از میدانهای يك قریه اصابت کرد. چهار کشته بجا گذاشت. قریه نشینان اعتماد خود را در برابر همسایگان شان که توافقات اولی را انجام داده بودند از دست دادند، ملیشیاها با حمایت قریه به قراء ریختند و زون های صلح از بین رفت.

**تاثیروا بالایی اثروا منفی:** شواهد بدست آمده از مطالعه قضایا نشان میدهد که عدم موجودیت حکومت به شکل عمومی وبی قانونی نی را که این امر بوجود می آورد، سبب افزایش این خطر می شود که از منابع امدادی برای جنگ سوء استفاده شود. در مجموع، از هم پاشی حکومت، درها را برای سرقت منابع امدادی و اذیت و آزار کارمندان امداد رسانی به شکل وسیع باز میکند (در نتیجه مؤسسات داوطلب را مجبور میسازد تا با جنگجویان به مذاکره پرداخته

نیروی شان را قانونیت بدهد).

در حالیکه نتیجه گیری عمومی همین است، يك جنبه دیگر - و فرصت نهایت مساعد برای دفع اثرات منفی - از تجربه (پرودیری) در امریکای مرکزی بدست آمد. (۱۲) درین جا دیده شد، که هر قدر مردم يك محل از قدرت های درگیر جنگ فاصله داشته باشند به همان پیمانه فرصت های مساعد برای کار باگروپیکه تشنج و برخورد را بین قدرت طلبان تغذیه نمی کند، دست میدهد. بازهم، این نتیجه گیری شاید برای تدارك کنندگان امداد که در صدد یافتن راه هایی برای دفع تشدید جنگ درسا از کشور ها هستند كمك نماید.

## فعالین دیگر (سایر موسسات غیر حکومتی، سازمان ملل متحد، منابع تمویل کننده):

کارمندان مؤسسات اکثراً از سراسیمگی وعدم انسجام بین تهیه کنندگان امداد به صفت عواملیکه توانمندی شان را در موثریت کار با ارتباط جنگ تخریب میکند، صحبت می نمایند.

**تاثیوات بالایی اثوات مثبت:** مطالعه قضایا نشان میدهد صرف نظر از اینکه همه ادارات چگونه عمل میکنند هر اداره واحد (یا هر فرد که مهارت های لازم را برای طرح برنامه های مؤثر دارد) میتواند راههای مفید و مؤثر را برای برنامه سازی ایکه ظرفیت های محلی برای صلح را حمایت خواهد کرد، تشخیص نماید. (باوجود این واقعیت که عملکرد اکثرا ادارات از هم متفاوت است، معنی این را نمیدهد که نیروی اداره ایراکه اثر مثبت دارد، نفی نماید و اگر تمام مؤسسات بر اولویت ها و روش ها موافقت کنند، نتیجه مساعی مشترک شان در یاری رسانیدن مردم برای دوری از جنگ خیلی ها مؤثر خواهد بود.) دست آورد دیگر درین مورد اینست که اندازه برنامه كمك رسانی يك اداره، اهمیت تاثیرات بالقوه، مثبت آن را متاثر نمیسازد. برنامه های كوچك كه يك یا دو نفر را دربر می گیرد،

شاید آغاز پروسه ای باشد تا تعداد زیاد مردم را تحریک به دوری از جنگ نماید. در حالیکه جنگ در نتیجه عدم درگیری عدهء انگشت شمار خاتمه نمی پذیرد، این همچنان آشکار است که هیچکس از قبل نمیداند که کدام ابتکارات صلح همه گیر خواهد شد تا رهبران را به مذاکره برای ختم جنگ مجبور سازد.

**تاثیرات بالایی اثرات منفی:** مطالعهء قضایا روشنگر این موضوع است که تعداد مؤسسات و مجموع منابع امدادی که آنها یکجا باهم به یک کشور در حال جنگ می آورند، ممکن است احتمال سوء استفاده اطراف درگیر جنگ را از این منابع افزایش داده و همچنان تلاش های امداد رسانی را در مبارزه بخاطر قدرت خیلی مهم جلوه دهد.

بآنهام قضایا همچنان نشان میدهند که ادارهء واحد میتواند راه خود را برای دوری از وارد کردن اثرات منفی بیاورد. قضایا نشان میدهند که ابتکار یک کارمند و یا یک اداره (حتی اگر در بین یک تعداد ادارات دیگر که مسیر متفاوتی را تعقیب میکنند، کار نماید) اکثراً ما را به این نتیجه گیری رهنمون شده که امکانات از آنچه معمولاً باور داشتیم، نهایت بیشتر است.

## مردم:

سراجم مردم و فرهنگ شان نیز «مشخصات» همان جانیست که تدارک کنندگان مواد امدادی در آن کار میکنند. هر چند جوامع از هم متفاوت اند ولی این امکان موجود است که عوامل موثر بالای اثرات مثبت و منفی امداد رسانی در هر جامعه را تشخیص نمود.

**هویت گروپ ها / خطوط جنگ:** آنچه را که باید در مورد جنگ های داخلی کشورها در وهلهء نخست خاطر نشان کرد شیوه ایست که در آن خطوط جنگ در امتداد گروپ های مشخص و شناسایی شده تعیین گردیده است. بطور مشهود، اگر کمک در داخل یک جامعهء درگیر جنگ بدون درنظر داشت این تقسیم

بندی ها سمت داده شود، اکثراً این امداد میتواند برای تشدید جنگ استفاده شود. به همین ترتیب هرگاه کمک به طرقي تحويل داده شود که گروه های درگیر جنگ را مجدداً بهم پیوند دهد، امداد شاید عدم درگیری و دوری از جنگ را ارتقا بخشد.

**تقسیم بندی نقش ها و مسؤولیت ها:** (۱۳) ثانیاً چون امداد به طرقي تحويل داده شده که بعضی نقش ها را در يك جامعه حمایت میکنند، برای تدارك کنندگان امداد مهم است تا در نظر بگیرند که کدام اشخاص این نقش ها را عملی میکنند و پشتیبانی از آنها چه تاثیراتی بالای جنگ دارد. بطور مشخص مهم است تا تقسیمات نقش ها و مسؤولیت ها را با در نظر داشت جنس، سن و ملیت، خاطر نشان کرد.

بگونهء مثال، هرگاه دریوران لاری ها به شکل عنعنوی مربوط به يك قبیله، قوم یا ملیت اند، در اینصورت اگر يك اداره، دریوران را برای انتقال مواد امدادی استخدام میکند، این امر همان گروه را نیرومند خواهد ساخت. اگر دریوران به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در جنگ درگیر باشند، در این صورت استنباط مشهود است. به همین شکل تحلیل ارزیابی وظایف نشان میدهد که دراکثر محلات در افریقا، زنان مسؤولیت غله جات را که صرفاً برای مصرف خانواده ها بذر شده به عهده دارند، در حالیکه مردان مسؤول کشت حاصلاتی آن که در بازار برای فروش برده میشود. تجربه نشان میدهد که وقتی توزیع کمک های بشری توسط مردان صورت گرفته، از آن برای زور آزمائی یا تحکیم قدرت استفاده شده است. این امکان وجود داشت که اگر این کار توسط زنان صورت میگرفت، از کمک های بشری به صفت مواد غذایی نیرو بخش استفاده میشد تا اینکه به حیث يك وسیلهء تحکیم قدرت، در آنصورت مناسب میبود که امداد بشری به خانواده ها میرسید و در زنده ماندن اطفال کمک میکرد تا اینکه به حیث منبع دیگری در مبارزهء دوامدار برای کسب قدرت مورد استفاده قرار میگرفت. به همین ترتیب دانستن نقش جنس شاید منجر به پروگرامهای تمرکز یافته برای خانم ها (که به شکل عنعنوی جنگجو نیستند) به منظور تشویق فعالیت های بین-الگروپی میگردد یا

مقابلاً برای مردان جوان (که احتمالاً جنگجو میباشند) به خاطری می شد تا آنها متیقن گردند که راه های دیگری غرض امرارمعاش غیر از جنگ را در اختیار دارند.

مثال سومی که از يك عده کشورهای درحال جنگ بدست آمده شامل توقعات در مورد نقش کلان سالان است. بطور مثال هم در سومالیا و هم در تاجکستان کلان سالان قادر شده اند تا نقش رهبری را در كمك كردن گروپ های درگیر در حل منازعهء شان و بدون برخورد بین شان بگیرند. در تاجکستان گروه های زنان کلان سال به تشکیل کمیته هایی برای میانجیگری بین عودت کنندگان مهاجر و مردم پرداختند. عودت کنندگان در خانه های متروک شان جابجا شدند. در سومالیا، نقش عنعنوی بزرگان قبیله شناخته شده است و زمانیکه كمك های بشر دوستانه نقش آنها را مجدداً تحکیم بخشید، این امر بزرگان قبیله را كمك کرد تا از برخورد بین قبایل جلوگیری کنند.

شناسائی نقش ها و مسؤولیت ها یکی از راهای شناخت ظرفیت های محلی موجود و ابتدایی برای صلح است. در جائیکه نقش های عنعنوی مردم، آشنائی باشند که گروپ های متعدد جامعه را یکجا و متحد نماید، این نقش ها نقطه عطفی را برای یاری رسانی مردم در دوری از برخورد مهیا میسازد.

**استفاده از منابع و کنترل آن:** ثالثاً چون كمك های بشر دوستانه و انكشافی اغلباً در برگیرندهء منابع اند، طریقه مردم به گونه عنعنوی به منابع دسترسی یافته و یا از آن استفاده میکنند همچنان برای درك تاثیرات احتمالی امداد بر جنگ با اهمیت است.

بگونه مثال، منابع محلی که از آن ادارات كمك دهندهء خارجی در جریان پروگرام های شان استفاده میکنند (چون لاری، عمارات دفاتر، گدام ها، منازل رهائشی) شاید تحت کنترل گروهك قابل شناسائی باشد که سهمی در جنگ دارد. یا بعضی گروه های معین شاید استعداد صحبت کردن با زبان انگلیسی یا فرانسوی را داشته باشند (لسانهائیکه مورد استفاده ادارات بین المللی قرار دارند)

وینابر این بتوانند در یکی از وظائفیکه از طرف این ادارات پیشکش شده گماشته شوند. وقتی این منابع به گروپ های خاصی تمرکز پیدا کند ونه به همه گروپها، تکیه به این ها شاید منجر به عدم رعایت مساوات وایجاد تشنج گردد.

علاوتاً قسمیکه در مثال بالا در مورد تخصیص مواد غذایی گفته شد وقتی منابع امدادی توسط بعضی سکتورهای جامعه ونه توسط همه سکتورها کنترل شود، روابط قدرت وهمچنان نقش های عنعنوی متاثر می شود. در يك مثالیکه در فصل قبلی تذکر رفت، تمرکز کمک های خارجی برای اعمار مجدد سرپناه های ویران شده پس از جنگ دريك کشور این معنی را میرساند که امداد اصلاً برای کمک رساندن به ملیت خاصی تمرکز داده شده، به آنهاییکه جنگ را «باخته» اند (و لذا متحمل بیشترین خسارات شده اند). در حالیکه هدف ازین کمک حمایت از مصالحه با این تضمین بود که مهاجرین میتوانند به خانه های ویران خود برگرداند ویدینگونه سهمی در استقرار اجتماعی بگیرند. «برندگان» جنگ نگران بودند که کمک های خارجی مردمانی را که آنها فکر میکردند در جنگ شکست خورده اند، مجدداً تقویه میکند. در اینصورت بدون آوردن تعدیلات در پروگرام، تدارک مواد برای «نیازمندترین ها» نیز تشنج را تشدید بخشید و آتش جنگ و درگیری مجدد را شعله ورتر ساخت.

### خلاصه

در جائیکه امداد رسانیده میشود، يك رشته عواملی وجود دارند که احتمال اثرات منفی امداد را پیمان می آورند. تدارک کنندگان امداد میتوانند از تجربه بیاموزند که کدام شرایط احتمالاً خطر چنین اثرات را افزایش میدهد تا باشد که آمادگی بهتر برای انجام کارها به شکل عاقلانه داشته و از بروز چنین اثرات جلوگیری نمایند.

از طرف دیگر، عوامل انگشت شماری شناسایی شده که امکان بالقوهء امداد را دریاری رسانیدن به مردم بخاطر دوری از منازعه و جنگ تقویت می

بخشد. صرف نظر از نوع جنگ، مدت یا موقعیت جغرافیایی آن، موجودیت یا عدم موجودیت سیستم های قدرت و تعداد و انواع ادارات کمک دهنده، فرصت هائی برای تقویت ظرفیت های محلی در جهت صلح همیشه موجود است.

در جوامعی که کمک داده می شود برای پیش بینی وقوع اثرات منفی احتمالی و به منظور تضمین اثرات مثبت، عوامل متعدد در پیوند با مردم و فرهنگ شان وجود دارد. این عوامل شامل «همگونی» خطوط جنگ با هویت گروهک ها، نقش و مسئولیت های مردم در جامعه، کمک گیرنده و نمونه های منابعی که این جامعه به آنها دسترسی دارند و استفاده میکنند، مهم شمرده میشوند.

در فصل بعدی و نهایی برمی گردیم به جمع بندی هرآنچه تا کنون پیرامون رابطه بین امداد و جنگ آموخته ایم. همچنان منظور اینست تا يك رشته رهنمودها برای کارمندان امداد رسانی ترتیب گردد که کارمندان را یاری رساند تا حالتی را که بآن روبرو هستند تحلیل و تجزیه نمایند و از این طریق بتوانند راههایی را به خاطر جلوگیری از ضرر رسانیدن و افزایش تاثیرات مثبت بجویند.



## فصل نهم

### آنچه آموخته شد: چطور میتوان حالت جنگی را تحلیل و بررسی کرد تا اثرات منفی و مثبت امداد رسانی را در جنگ پیش بینی نمایم

ما با دسته بندی دریافت هائی شروع میکنیم که در فصل های قبلی طرح شده اند.

#### خلاصه دریافت ها

**دریافت اول:** دست آورد فرعی اهداف کمک های تدارك شده در کشورهای در حال جنگ عبارتند از اثرات منفی و یا مثبت همچو کمک ها بالای جنگ. (فصل سوم)

**دریافت دوم:** تاثیرات کمک های عاجل و انكشافی بالای جنگ اکثراً منفی است و بی باوری و تشنجات را تغذیه میکند. (فصل چهارم)

**دریافت سوم:** وقوع اثرات منفی امداد در جنگ میتواند به دو طریق فهمیده شود - اثر سوء استفاده از انتقال منابع و پیامهای تلویحی اخلاقی که بصورت غیر عمدی از طریق تحویل دهی امداد داده میشود. (فصل چهارم)

**دریافت چهارم:** اثرات منفی امداد بالای جنگ قابل جلوگیری بوده و راههای جلوگیری همچو اثرات موجود است. (فصل پنجم)

**دریافت پنجم:** گرچه تقریباً همه کس در جنگ های داخلی شامل اند اما شواهد میرساند که اکثریت این مردم احساس نمیکند که در برابر داعیه ایکه آتش جنگ بخاطر آن آشکارا شعله ور است و یا به رهبرانیکه ادعای نمایندگی از همچو مردم را دارند - متعهد باشند.

**دریافت ششم:** از آنجائیکه در تمام جنگ ها مردمانی وجود دارند که جنگ را از آن خود نمیدانند، درین حالت همیشه فرصت های مساعد برای کارمندان ادارات امداد رسانی وجود دارد تا برنامه امداد شانرا طوری طرح نمایند که مردمان محل را در دوری از برخورد و جنگ های شان یاری رسانند. (فصل های ششم و هفتم)

**دریافت هفتم:** امکان استفاده از امداد برای بجا گذاری اثرات مثبت بالای جنگ به سه طریق وجود دارد: با ایجاد فضا و مکان مطمئن برای اعمال غیر جنگی، با ایجاد فضای مصئون برای ابراز نظریات و مفکوره های غیر جنگی و از طریق منابع تشویقی که مردم را کمک میکند تا به عدم درگیری در جنگ ترغیب شوند. (فصل ششم و هفتم)

**دریافت هشتم:** اینکه چندین عامل قابل درک در شرایط جنگی این احتمال را فزونی می بخشد که اثرات منفی بوقوع خواهد پیوست. (فصل هشتم)

**دریافت نهم:** عوامل متذکره این امکان را برای کارمندان امداد رسانی به شکل جدی محدود نمیسازد که پروگرام های شان را به نحوی

طرح کنند تا مردم رادر دوری از جنگ یاری رسانند. (فصل هشتم)

**دریافت دهم:** این امکان موجود است که حالت و محیط جنگ را بصورت دقیق تحلیل و تجزیه کرد تا افراد بتوانند طرق ممکن وقوع اثرات منفی و مثبت را پیش بینی کرده و بالتبجه راههای موثر را به منظور برنامه ریزی مناسب، دوری از ضرر رسانی و حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح، انتخاب نمایند. (فصل دهم)

### **تحلیل و تجزیه وقوع اثرات با القوه کمک های بشر دوستانه در حال جنگ:**

واضح است که امداد و کمک تدارك شده دريك کشور در حال جنگ - حتی در حالیکه در نیل به اهداف مورد نظر چون نجات دادن حیات مردم یا حمایت از پیشرفت مردم موثر است - باآنها، اکثراً به شکل غیر عمدی جنگ را تشدید و تغذیه میکند. همچنان روشن است که امداد شاید مردمان محل را به دوری از برخورد و نزاع حمایت و تحريك نماید. اینها محصول فرعی (عوارض جانبی) مثبت و منفی امداد اند.

هدف ما تطبیق آنچه که از تجارب گذشته آموخته ایم میباشد تا باشد که کارمندان مؤسسات قادر به پیش بینی این دست آورد های مثبت و منفی امداد گردند و بدینگونه در جریان عملی ساختن برنامه های کمک رسانی شان، به کاهش اثرات منفی و فزونی اثرات مثبت کمک ها قادر شوند.

آنچه آموخته شده و در فصل های قبلی مورد بررسی قرار گرفت سه مرحله را پیشنهاد میکند که کارمندان مؤسسات با پیروی ازین مراحل میتوانند نتایج را پیش بینی کرده و از بین راهای موثر برنامه سازی بهترین ها را انتخاب نمایند.

## مرحله اول: بررسی حالت جنگ، حکومت (قدرت) و سایر عوامل

سوال مرحله اول: درین حالت کدام قوت ها اند که احتمال وقوع اثرات منفی را افزایش میدهند؟

قسمیکه در فصل هشتم متذکر شدیم عواملی وجود دارند که احتمال وقوع اثرات منفی و به يك پیمانه محدود، اثرات مثبت در جنگ را تحت تاثیر قرار میدهند. این عوامل در جنگ، در موجودیت یا عدم موجودیت سیستم های قدرت (حکومت)، در يك تعداد سایر عاملین (سایر موسسات) و در انتقال منابع امدادی که در يك منطقه فرستاده میشود، موجود اند.

جدول ذیل بررسی خلص این عوامل و اثرات احتمالی آنها را بالای تاثیرات كمك های بشر دوستانه - توصیه میکند. پس مرحله اول ارزیابی احتمالاتیست (چنانیکه در جدول باعلامه √ نشان داده شده) که امداد، جنگ را تقویت خواهدکرد.

مرحله اول: فهرست محیط و شرایط				
احتمال وقوع اثرات مثبت		احتمال وقوع آسیب		عوامل محیطی
زیاد	کم	زیاد	کم	
				جنگ
				مدت زمان
		√		طولانی
			√	کوتاه
				حدود جغرافیایی
		√		وسیع
			√	محدود
				مرحله
√				ابتدایی
	√			وسطی
√				نهایی
				حکومت (قدرت)
		√		هرج و مرج
		√		ظالم
√			√	دیموکراتیک
				سایر گروه ها و نهادهای گان
		√		زیاد
		√		هم امنگی کمتر
		√		منابع زیاد

## مرحله دوم: بررسی حالت (مردم)

سوال مرحله دوم: مردمانیکه از جنگ حمایت میکنند وعلاقه مفرط به ادامهء جنگ دارند کدام ها اند و همچنان آنهاستیکه از ظرفیت های موجود محلی و ظرفیت های ابتدائی برای صلح نمایندگی میکنند چه کسانی هستند؟

مرحله دوم شامل شناسائی گروپ هائی از مردم است که از جنگ حمایت میکنند و فهمیدن دلایل آنها و شناسایی گروپ هائی است که از ظرفیت های محلی برای صلح نمایندگی میکنند و یا تشویق به چنین کاری کردند. با تحلیل و بررسی جزئیات این گروپ ها و انگیزه های شان وهمچنان تقسیم بندی نقش ها و مثال های منابع استفاده شده، کارمندان بخش امداد رسانی میتوانند متوجه این خطرات گردند که شاید امداد جنگ را بدتر سازد و یا متوجه فرصت های مساعدی گردند که امداد شاید مردم را قادر سازد تا ازجنگ فاصله گیرند. درجدول بعدی مسایلی جمع بندی گردیده که در فصل های قبلی مطرح شده و به مردم و انگیزه های شان برای جنگ یا صلح ارتباط می گیرد.

مرحله دوم: مردم	
حمایت از جنگ	حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح
<p>ترك جنگ</p> <p>رهبران</p> <p>سیاسی</p> <p>نظامی</p> <p>سایرین</p> <p>جنگجویان</p> <p>آدمکشان</p> <p>آشتی ناپذیران یا سازگاران</p> <p>سایرین</p> <p>سودبرندگان</p> <p>تاجران سلاح</p> <p>سایرین</p> <p>«مردم»</p> <p>(ملیت، جنس، سن)</p> <p>نقش ها</p> <p>دسترسی / استفاده از منابع</p>	<p>● رهبران</p> <p>●</p> <p>●</p> <p>● «مردم»</p> <p>(ملیت، جنس، سن)</p> <p>نقش ها</p> <p>دسترسی / استفاده از منابع</p>

كمك های بشردوستانه شاید مردمی را كه از جنگ پشتیبانی میکنند تقویت ویا (لا اقل بعضی شان را) تحريك به دور شدن از منازعه و بسوی ترك جنگ تشویق نماید. به همین ترتیب امداد شاید آنها را كه از ظرفیت های صلح نمایندگی می نمایند تقویت كند.

## **مرحله سوم: ارزیابی طرق مختلف برنامه ریزی جهت رساندن کمک ها برای تقویت (ظرفیت های محلی برای صلح)**

سوال مرحله سوم: اگر من طریقه الف (ب یا ت...) را برای برنامه سازی انتخاب نمایم آیا این طریقه اثرات منفی بالای امداد را تشدید خواهد بخشید و یا از ظرفیت محلی برای صلح حمایت و آنها را تشویق خواهد نمود؟ (نحوه دیگر ابراز این سوال چنین است: چه کسانی از نحوه کمک رسانی من نفع و چه کسانی متضرر میگردند؟)

مرحله سوم: تحلیل و تهیه راه های موثر انتخابی برای طرح برنامه ها

حمایت از ظرفیت های محلی برای صلح	برنامه امدادی طرح / تطبیق	حمایت از جنگ
<p>مردم / گروه ها</p> <p>رهبران</p> <p>اشخاص انفرادی</p> <p>گروه ها</p>	<p>انتقال منابع</p> <p>پول</p> <p>مواد امدادی / خدمات</p> <p>کار</p>	<p>مردم / گروه ها</p> <p>«رهبران» گروه های</p> <p>درگیر جنگ</p> <p>جنگجویان</p> <p>يك گروه كه در</p> <p>مخالفت با ساير</p> <p>گروه هاست</p>
<p>عملكردها</p> <p>غير جنگی</p> <p>(همكاری همه جانبه)</p> <p>اعمار صلح</p> <p>(در هردو جناح درگیر)</p>	<p>پیام های پلاترديد اخلاقی</p> <p>قدرت / كنترول</p>	<p>عملكردها</p> <p>جنگ</p> <p>خسونت</p>
<p>روش ها</p> <p>غير جنگی</p> <p>(بدون تعصب، غير</p> <p>وحشیانه)</p> <p>اعمار صلح</p> <p>(ارتقائی تفاهم)</p>	<p>حيثيت</p> <p>قانونيت</p>	<p>روش ها</p> <p>اختلاف عقیده</p> <p>بی اعتمادی</p>
<p>سیستم ها</p> <p>غير جنگی</p> <p>(ارتباطی، ديموکراتيك)</p> <p>اعمار صلح</p> <p>(تجارت، سازمان ها،</p> <p>كنفرانس ها، پروژه ها،</p> <p>ارتباطات وغيره.</p>		<p>سیستم ها</p> <p>مسلط</p> <p>تفرقه انداز</p>



سراجم، چارت سوم از یکطرف نشان دهنده رابطه بین برنامه های امدادی و جنگ و از سوی دیگر نمایانگر امداد و ظرفیت های محلی برای صلح میباشد. برنامه ریزی از طریق انتقال کمک ویا رساندن پیام های تلویحی اخلاقی میتواند جنگ را تقویه کند. قسمیکه در طرف راست جدول سوم نشان داده شد؛ یعنی به وسیله حمایت از مردمیکه جنگ را تقویه ویا در آن درگیر اند؛ حمایت از فعالیت هائیکه برخورد را تقویت می بخشد؛ حمایت از افکار تقویه کننده جنگ؛ حمایت از پروسه ها و سیستم هائیکه آتش جنگ را شعله ورتر می سازد. امداد رسانی شاید این همه پشتیبانی ها وحمایت را یا به شکل مستقیم ویا به شکل غیر مستقیم انجام دهد.

یا شاید امداد برای حمایت از ظرفیت های موجود و ابتدایی محلی برای صلح (طوریکه در طرف چپ جدول متذکره نشان داده شده) تهیه شود. که بازهم امداد شاید مردم، فعالیت ها، روش ها و پروسه ها/سیستم ها را حمایت کند که این کار شاید از طریق ایجاد مکان مصئون، ایجاد فضا و مکان مطمئن برای ابراز نظر ویا تدارک منابع تشویقی که مردم را به ترك جنگ و جهش به سوی اعمار صلح تشویق کند، عملی گردد.

کارمندان مؤسسات میتوانند طرقي را برای چگونگی منابع و چگونگی طرح برنامه های شان انتخاب نمایند که جلوی پیام های تلویحی اخلاقی باشد تا این همه، توانمندی مردم، اعمال، روش ها و سیستم هائی را که در جناح راست جدول نشان داده شده، کاهش داده و فضا و مکان را برای ابراز نظر مردم، عملکردها، روش ها و سیستم هائیکه در طرف چپ جدول به نظر میرسند فزونی بخشد. علاوهً امداد شاید طوری طرح شود تا مردمی را که در سمت راست جدول قرار دارند تشویق کند تا به طرف چپ بشتابند.

سه مرحله به کارمندان مؤسسات نمی گوید که چگونه برنامه های شان را طرح و در عمل پیاده کنند. مراحل دستوری نیستند، آنها چون (کتاب پخت و پز) جواب نمیدهند. بلکه تدارک کنندگان امداد را تشخیص محیط مشخص درگیر جنگ و یا در نظر داشت حالت آن، یاری میرسانند تا بهترین راه را از جمع راههای موثر برنامه سازی انتخاب کنند که هم اهداف مورد نظر اداره را بر آورده بسازد و در عین زمان اثرات منفی امداد را محو و اثرات مثبت آنرا به حد نهائی برساند.

کارمندان امداد رسانی اکثراً با اوضاع پیچیده و تقاضای بی حد و حصر روبرو میگردند. دیده میشود که گزینش طرق امداد رسانی باوقوع حوادثیکه مهار آن از توان کارمندان بدور است، محدود می گردد. کارمندان در بر آورده ساختن نیازمندیهای عاجل و فوری به فشارهای عملی و اخلاقی روبرو هستند تحت چنین شرایط ناممکن به نظر میرسد تا تاثیر اضافی امداد را قسمیکه جنگ را متاثر میسازد، بررسی کرد. اما بخاطریکه در همه کشور های درگیر جنگ، هستند مردمیکه از جنگ شان نفرت داشته و راهای موثر و چاره های دیگری را جستجو میکنند، این وجبیه تدارک کنندگان امداد است تا این دسته مردم را شناسائی - و از طریق ممکن - از آنها و اعمال شان، طرز فکر و سیستم هایشان را که آنها برای گریز از جنگ و جهش به طرف صلح ایجاد می نمایند، حمایت کنند.

فصل های قبلی نشان میدهند که این امر ممکن است. حتی در جریان جنگ شدید، بعضی از کارمندان وعده ای از ادارات امداد رسانی به ابتکار طرقی نایل آمدند که از بدتر شدن وضع و شدت جنگ جلوگیری کرده و در تخفیف آن کمک نمایند. مثالهایی از تجارب متعدد ساحه روشنگر این امر است که امداد رسانی شاید نجات بخش حیات بوده و بالای جنگی که زندگی را تهدید میکند اثرات مثبت وارد سازد. قضایائییکه درین نوشته تذکر داده شده و صدها مورد دیگر، رهنمودها و الهام را برای آینده در دسترس قرار میدهند.

## ضمیمه شماره يك

### تضایای مطالعه شده، پروژه، ظرفیت های محلی برای صلح

نویسنده: Mary B. Anderson:

۱- «غذا برای کار بخاطر اعمار مجدد

سرپناه ها در ولایت ختلان، تاجکستان:

پروژه ای فدراسیون

«Save the Children

۲- «حلقه ارتباطی بیت المقدس : زنان در

حالی که جنگ جریان داشت بهم پیوستند»

۳- «اداره کمکهای کلیسای ناروی و شورای

پناه گزینان ناروی، پروژه

افغانستان/پاکستان : مطالعه يك قضيه»

نویسنده: Kate Halvorsen:

۴- «مساعی برای یکجا سازی مردم در حالت

پس از جنگ: فعالیت های شورای پناه

گزینان دنفارک و شورای پناه گزینان ناروی

در موزنبیق»

۵- عودت با مصئونیت ووقار؟ فعالیت ها

برای یکجا سازی و اعمار مجدد مربوط

کمیتة بین المللی کاتولیک برای مهاجرت

در کمبودیا»

نویسنده: Joseph G. Bock:

۶- «پروژه هم آهنگی خدمات اجتماعی جامعه  
مربوط بنیاد St. Xavier، احمد آباد،  
گجرات، هند.

Susan A. Lyke, Joseph. G. Bock:

۷- «پروژه آزمایشی Orangi: انستیتوت  
تحقیقاتی و تربیوی، کراچی

نویسنده: Kenny Gluck:

۸- «امداد بین المللی به شهروندان ملکی:  
جنگ داخلی ابخاز-گرجستان»

نویسنده: Greg Hansen:

۹- «SAWA/آموزش برای صلح: متحد  
ساختن اطفال و جوانان لبنان در خلال  
جنگ»

نویسنده: Helene Holm. Pedersen:

۱۰- «مصالحه در داخل صلیب سرخ محلی از  
طریق همکاری وظیفوی: فدراسیون بین  
المللی انجمن های صلیب سرخ و هلال احمر  
در بوسنیا - هرزیگووینا»

نویسنده: Stephen Jackson:

۱۱- پروگرام عودت کامل Trocaire، گیدو،  
جنوب غرب سومالیا.

نویسنده: Tom Lent:

۱۲- «خوشبخت آنانی که پیشقراول اند: اعمار  
صلح و پروسه های صلح در اوضاع  
جنگی: مطالعه يك قضیه در گواتیمالا  
۱۹۹۶-۱۹۷۶»

نویسنده: Larrg Minear:

۱۳- «مصالحه در امتداد سرحدات : يك تجربه  
در کروشیا»

نویسنده: Lina Sallin:

۱۴- «نورمهای سلوك بشر دوستی: پروگرام  
نشراتی که در بروندی توسط کمیته بین  
المللی صلیب احمر تطبیق شده.»

نویسنده: Willet Weeks:

۱۵- «فدراسیون Save the Children  
ایالات متحده امریکا در شابیلی سفلی  
(سومالیا)»

- ۱- این اصطلاح توسط Joan Beecher خبرنگار صدای امریکا مورد استفاده قرار گرفت. وی از مردم چینیا دريك خبر كه بتاريخ ۲۶ فبروری سال ۱۹۹۶ تهیه کرده بود، نقل قول کرد.
- ۲- در جریان يك جلسه در ادیسه بابا در دسامبر ۱۹۹۵، چارلز پتری کارمند اداره امور بشر دوستی ملل متحد اصطلاح سود جویی (Profiteerism) را برای معرفی کرد. وی ازین اصطلاح قسماً برای آدمکشان كه در متن تذکر رفته و همچنان برای آنهاييكه از جنگ پول در می آورند، استفاده برده است.
- ۳- در يكي از شماره های اولی (امداد منحيث پیشقراول: همکاری انكشافی كانادا و نزاع جهان سوم، چاپ پوهنتون كارليتون، اوتاوا سال ۱۹۹۲) این موضوع مستقیماً مطرح شده و از طریق مطالعه قضایا، راهائيكه منجر به وقوع اثرات منفي امداد می گردد مورد تدقیق و بررسی قرار گرفته است.
- ۴- در فصل های پنجم و هفتم، ما بعضی از راههای موثر انتخابی را به ارزیابی گرفتیم كه ادارات امداد كننده به منظور دوری از وقوع اثرات منفي در تحویل دهی منابع وهم پیام های تلویحي اخلاقی كه در متن توضیح گردیده در پیش میگیرند.
- ۵- این نظریه برای نخستین بار ضمن سخنرانی من توسط يكي از اشتراك كنندگان (كه خود داکتر بود!) در يك كنفرانس محدود كه از طرف «پروگرام ابتكارات صلح» در اوایل ۱۹۹۴ در پوهنتون مك ماستر در تورنتو برگزار شده بود، معرفی گردید.
- ۶- چنین به نظر میرسد كه اعتراض علیه جنگ، دورمشخصی را در جنگ های داخلی به دنبال دارد. در مرحله نخست يك تعداد مردم اعتراض می كنند مگر بمجرديكه در خلال گذشت زمان به اعمال شركت در جرم واداشته میشوند و رنج و درد را تجربه و به چشم سر می بینند، گرایش پیدا میكنند تا جنگ را

به صفت يك ضرورت قبول نمایند. بآنها حتی پس از گذشت زمان بیشتر و تحمل رنج مزید، مجدداً به اعتراض عمیق علیه جنگ، صرفاً بخاطر بیزاری از جنگ، می پردازند.

۷- بعضی از نظریات و مفکوره هائیکه در ذیل تذکر رفته برای بار اول توسط Kenny Gluck که در همانوقت دایرکتر ساحوی پروگرام Save the Children امریکا در تاجکستان بود، برایم توصیه گردید.

۸- قیام از خاکستر: ارتقا بخشی ستراتیژی ها در اوقات مصیبت، نوشته ماری، بی، اندرسن و پیتر. جی. ودرو طبع شده در مطابع Westview و یونسکو، بولدر و پاریس ۱۹۸۹.

۹- نقل قول از یادداشت های رودی وون برنوت (SCF/USA) اوایل سال ۱۹۹۵.

۱۰- برای طراحان پالیسی، کارمندان دفاتر مرکزی، پرسونل اداره ملل متحد وغیره، مناسب خواهد بود تا به تحلیل مشابه بپردازند تا دریابند که در کجا و چگونه میتوانند تغییری وارد آرند. يك فرد همیشه میتواند «مشخص شده ها» را تحلیل و بعداً با در نظر داشت قرینه تصمیم بگیرد که در کدام موقعیت و حالت، کسی این کارآیی یا استعداد را دارد که راه درستی را انتخاب نماید تا بتواند بالای دریافت ها (هرچند بعضی اوقات به شکل محدود) موثر باشد.

۱۱- راپوری از صدای امریکا، ۲۶ فیبروری ۱۹۹۶، خبر از Joan Beecher.

۱۲- بگونه مثال توجه شود به «آموخته هائی از تجربه، PRODERE در امریکای مرکزی» اثر پیتر سولیس و کریستینا ام. شولتز در RPG Focus، نومبر ۱۹۹۵.

۱۳- اکثر خواننده گان این را به صفت «تحلیل عملکرد ها» و تحلیل منابع تشخیص خواهند کرد که ادارات امداد رسان با استفاده بعضی روش ها، جلو تراکم گروپ های مردم را که ادارات بآنها کار میکنند بگیرد تا بتوانند برنامه

های شان را قسمی طراحی کنند که به واقعیت های محل « وفق » داشته باشد.  
یکی ازین دو طریقه برای اولین بار در

Gender Analysis Framework استفاده شد که در اوور هوات به طبع

رسید، نویسندگان عبارتند از ماری بی. اندرسن، کلاود، کی. و آستن، جی ای.

Gender Roles in Development Projects: A Casebook

مطبعه، کومارین ۱۹۸۵





**Norwegian  
Church Aid**

**Together for a just World**